دکتر حیدرمیرزا - بنده با اکثر از فرمایش آقای حاج شیخعلی موافقم و اما در این ماده که می گویند « و چرمهای داخلی که الان معمول است اگر مثل آن بسازند مثل سایر اصناف مالیات صنفی را خواهند پرداخت بنده عرض می کنم که لازم نیست اگر برنك دیگر لازم نیست بعین بسازد اگر برنك دیگر هم مثل اینکه (زرد) باشد که هیچ شباهت بچرم همدان ندارد بسازد و یکقران از آن ارزان تر بفروشد تمام کارخانه همدان میشکند پس خوب است بنویسد « اگر متاع این کارخانه رقابت با صابون و چرم خارجه نکرد ضرر مالیاتی و عوارض و شکست تجار جزء را از عهده برآید» و اگر با آنها رقابت نکرد و رقابتش با تجار خارجه شد البته زیادتر از این هم باو معافیت می دهند و الا اینکه چرم (زرد) مثلا بسازند و بگویند که مثل چرم همدان یا چرمهای داخلی نیست و یك اندازه ارزانتر بفروشد تمام صابون پز خانه ها که بهم می خورد اسباب یك بلوای عمومی هم خواهد شد مقصود بنده این است که در این نکته که این جا نوشته شده است قدری دقت بفرمائید .

منتصرالسلطان - عرض می کنم از این لفظ مثل که در این جا ذکر شده مقصود این است که این چرم نمی سازد این همین چرمهای همدان و سایر جاها را می خرد و اینها را می آورد در کارخانه و بعضی روغنها بآنها می زند و بعضی مالشها می دهند و در آن حوضها که در کارخانه خودش دارد در آن آبیکه با بعضی دواها و محلول ساخته شده می اندازد و از آن بعضی چرم هائی که به « برقی» و « فرانسیس » معروف است از این قبیل چرمها درست می کند نه از قبیل چرمهای معموله و بهمین جهة هم احتیاط ذکر کردیم که اگر بخواهد از این چرمها بسازد باید مالیات آنرا بدهد یعنی چرمیکه روی آن هنوز آن مویها را دارد و هنوز برداشته نشده است و الا کارخانه این راجع باین کار نیست فقط راجع بچرم فرنگی درست کردن است که باید چرمهای معمولی را بخرد و بسازد و اما این مسئله را که مذاکره فرمودند که باین ترتیب ضرر بدولت وارد آمده است برای دولت هیچ ضرری نشده است چیزیکه هست آنوقت یك انحصاری را میدادیم که مخالف قانون شرع و مشروطیت بود بآن لحاظ گفتیم که از این قسم کارها را نباید انحصار داد مگر در کارهای خیلی مهم که خسارتهای خیلی بزرك برای کمپانی پیدا میشود که آنجا باید انحصار داد و در اینجا دولت تا این اندازه با این کمپانی مساعدت کرده است چنانکه در تمام ممالك اروپ همه قسم مساعدت های پولی با کمپانی هائیکه تشکیل داده میشود و با کمپانی هائی که راه آهن وغیره میکشند مینمایند لکن ما چون مساعدت پولی نمی کنیم ذکر کردیم که اگر یك وقتی مالیاتی براین قبیل چیزها بسته شده تا فلان مدت این کارخانه از دادن مالیات معاف باشد برای این که این یك تشویقی بشود که سایرین هم اینطور اقدامات بکنند و از این قبیل کارخانجات وارد نمایند .

حاج سیدابراهیم - این فرمایش مخبر را بنده ملتفت نشدم برای اینکه مناط ما فعلا این قانونی است که میگذاریم کار نداریم باینکه اینکارخانه کارش چیست و چه شکل چرم درست میکند و بعد چه شکل می شود ما باید ملاحظه کنیم که از این عبارت چه فهمیده میشود از این عبارت همچه فهمیده میشود که این کمپانی میتواند هم چرم برقی بسازد هم غیر برقی حالا بر فرض ما آمدیم با او همراهی کردیم آب دادیم زمین دادیم از مالیات، مافش نمودیم و ترویجش دادیم و اداره اش را توسعه دادیم اینکار باعث این می شود که صنفهای کوچك را که مردم دردست دارند ضعیف می شود ورو به انحطاط میرود آنوقت این مالیاتی را که میدهند نخواهند داد و اینکارخانه هم که معاف است پس یك ضرری بدولت خواهد خورد بلکه اگر ما بخواهیم از کارخانها مالیات بگیریم ممکن است که بگوئیم یك کارخانه تا ده سال مالیات ندهد اما مالیات صنفی را بدهد و شریك ضعفا باشد برای اینکه ما هیچ جهتی سراغ نداریم که رعایت این شخص را بکنیم .

محمد هاشم میرزا - نظرها کم کم خیلی وسیع شده و تصور میکنند اگر اینکارخانه بیاید نباید مکتی در کار سایرین پیدا شود البته همان اندازه که او چرم درست کند و بفروشد بهمان اندازه از فروش بسایر چرمها کسر خواهد شد ولی این چندان اهمیت ندارد برای اینکه مطلب باین مهمی و کارخانه باین بزرگی که وارد میشود و صنعت مملکت را ترویج میکند اگر ضرر کمی از او وارد شود چندان اهمیت ندارد و بنده موافقم با پیشنهاد کمیسیون و عرض میکنم که دراین باب مذاکرات از سابق و لاحق بقدر کافی شده است خوبست رای بگیرید که زودتر بگذرد ثانیا پیشنهاد آقای حاج شیخ علی قرائت شد .

رئیس - حالا باید در قابل توجه بودن این پیشنهاد رای بگیریم .

منتصرالسلطان - مجلس این رارد کرده است چطور میشود در آن رای گرفت .

رئیس - فقط چیزیکه هست این است که این انحصار را مجلس رد کرده است ولی حالا باید در قابل توجه بودن آن پیشنهاد رای گرفت — پیشنهاد آقای موتمن الملك بعبارت ذیل قرائت شد .

ماده (ه) — درصورتی که راجع بمحصول این کارخانه مالیاتی در مملکت وضع شود کارخانجات مزبوره تا پنجسال از ادای مالیات معاف خواهند بود ولی مالیات صنفی معموله را باید بپردازند » .

موتمن الملك — بنده عرض میکنم که این لفظ تمتع معنی ندارد برای اینکه ما تابحال مالیاتی وضع نکرده ایم که اسمش را تمتع بگذاریم ودیگر مالیات کارخانه نوشته شده است آنهم موضوع ندارد برای این که بریك بنائی که مالیات نمی بندند و اگر در جاهای دیگر بسته اند مقصود امتعه آن بوده امتعه یعنی مال التجاره که از کارخانه بیرون می آید دیگر اینکه اینجا از تشویق گفتگو شد خیلی صحیح است که ازصنایع باید تشویق کرد اما تشویق یك حدی دارد اگر بنا بشود که ما برای هر صنعتی از بیست سال سی سال معافیت حرف بزنیم این برای مملکت خیلی ضرر دارد برای اینکه تاده سال دیگر مسلماً کارخانجات دایر خواهند شد آن وقت بعداز ده سال ملتفت میشویم و می بینیم که مبلغ معتنابهی بر بودجه مملکت ضرر وارد آمده است پس باید یك حدی از برایش معین کرد از بیست الی پانزده که مسلماً نمی شود و از آنطرف هم باید تشویقی بشود برای این که این صنایع درواقع مثل انسان میباشند و تا یك سال دوسال سه سال اول باید مثل این که یك طفل را مواظبت میکنند با او همراهی کرد برای اینکه کس دیگری که با او هم چشمی میکند اسباب ضرر آنکارخانه نشود و از این جهة بنده پیشنهاد کردم که یك حدی از برایش قرار بدهیم حالا اگر پنجسال کم است شش سال بکنید اگرچه همان پنجسال کافی است پیشنهاد آقای حاجی سید ابراهیم قرائت شد که این ماده بکلی حذف شود .

دکتر اسمعیل خان — بنده با جمله اول فرمایشات آقای مؤتمن الملك شریکم ولی باجمله آخرش شرکت نداریم بجهة اینکه کمپانی میگوید که من این چرمها وصابونهائی را که درمملکت رواج دارد نمی سازم ولی کمیسیون باو میگوید بلکه ساختی باین جهة بود که دراینجا قید شده است که هرگاه مثل انهارا ساخت مالیات صنفی را باید بدهد واز جمله چیزهائی که مجلس دران نظر داشت اگر خاطر آقایان باشد این بود که انحصار را برداشت واز طرق دیگر تشویقی مراهم بیاورد که اسباب این بشود که مال التجاره اینها رواج پیدا کند واگر این آدم بگوید که من بهیچوجه ضدیت ورقابت با مال التجاره داخلی نمیکنم رحمت می کشم بری رقابت بامال التجاره خارجی دراین صورت مابا ید راضی بشویم که مال التجاره خارجی که وارد این مملکت میشود اورا شکست بدهد ونمی توانیم بگوئیم که بامال التجاره داخلی خودمان این کاررا میکنیم وباید مثل معمولی همه جا مالیات را بدهید بله اگر مثل چرمهای معمولی ساخت که چنانچه ذکر شده است مالیات صنفی را خواهد پرداخت ولی اگر خواست که چنانکه عرض کردم بامتابع خارجی ضدیت کند بنده تصور میکنم که مجلس شورای ملی این اندازه همراهی بکند و الا اگر تا این اندازه هم مساعدت نشود گمان میکنم یك قدری اسباب زحمت فراهم خواهد آمد .

کاشف — چندین مرتبه اینجا در موضوع این کارخانه چرمسازی مذاکرات شد چون این کارخانه تقریباً مشروع است واین شخص مؤسس است وهر کاریکه دراین مملکت نبوده است یك جمعیتی یا یك شخصی که می خواهد اقدام کند آن شخص یا اشخاص بعلاوه زحمت یك امتیازی باید داشته باشد باینکه اساسی را آنها گذاشته اند ودر واقع مؤسس میباشند بنده عرض میکنم آن کسانی که می خواهند برای ازدیاد ثروت مملکت اقدامی بکنند آنها را باید تشویق کرد و یك اختصاصی دارد بر دیگران برای اینکه بعد از این که این شخص اینکارخانه را دائر کرد دیگران می بینند که اینکار ضرر کرد یا منفعت کرد واز روی آن نقشه حرکت خواهند کرد ولی کارخانه که بدواً درمملکت نبوده است کسی که میخواهد وارد کند ودرصورتیکه راهم نداریم باید یك مبلغی سرمایه دراینکار بگذارد البته تشویقات

خیلی بیش ازاین برای اولازم است باینجهة عقیده‌ام این است که بیست سالی که نوشته شده هیچ زیاد نیست برای این که باید ازاین آدم تشویق و همراهی کنید تااین که این اسباب تشویق دیگران که میتوانند سایر کارخانجات را وارد کنند بشود و این نظر آقای مؤتمن الملك فرمودند در خصوص مالیات تمتع وکارخانجات ممکن است دولت یك مالیاتی وضع کند مثل سایر ممالك بعنوان تمتع یعنی بجهة فایده آنکارخانه بدینجهة برای تشویق این آدم گفته شد که دولت اگر یك وقتی بخواهدمالیاتی وضع کند این کارخانه تااینمدت معاف باشد واما آقایانیکه درخصوص گمرك اینجا مذاکره میکنند که این امتعه از گمرك معاف خواهد بود اولا می دانند که این امتعه رقابت با مال‌التجاره خارجی میکنند وهیچ ربطی بامتعه داخلی ندارد و چیزیکه جلوگیری میکند از واردات باید باآن همراهی کردوالادراین مملکت هیچ کارخانه نباید احداث شود و هیچ صنعتی نباید اختراع شود باینملاحظه که مالار ادارات خارجه گمرك میگیریم آن اشخاص که این راملتفت نیستند بجهة این که اگر بنابباشد که این مسلك راتعقیب کنیم هیچوقت مملکتی از حیث ثروت وصنعت ترقی نخواهد کرد ازاین جهة بنده مطلب گمرك را هیچ نمی‌توانم تصدیق کنم و درخصوص صابونها وچرمی که در داخله ساخته میشود اولا آقایان باید ملتفت باشند که چنانچه یك کارخانه بخواهد رقابت کند باامتعه داخلی که امروز ساخته میشود و همه کس درست میکند این هیچ معنی ندارد که مخارج زیادی بکنند و یك اسباب ولوازمی تهیه کنند ازبرای اینکه باصابون داخله ویااینکه باچرم همدان رقابت کند واگراین کاررا بکنند هیچوقت نخواهد توانست از اینکار فایده ببرند وهرگز اینکاررا نخواهند کرد اینکارخانه برای ساختن چرم و صابون خارجه است این چرم یك چرم علیحده ویك چرم فرنگی هست که دایر میشود و چرمهای داخلی را بآنصورت در میآورند وهیچ ربطی بچرم داخلی ندارد وبنده عقیده‌ام این است که اینکار خیلی ترویج میکندصنعت داخلی رابرای اینکه چرمهائیکه مصرفش کمتر است ودر حمل بخارجه مصارف حمل ونقل برمیدارد دراینجا اصلاح میشود و خیلی بجهة صنعت صابون هم دخل است واما آنچه آنجا نوشته شده است در خصوص صابون این آدم بهیچوجه حاضر نشده است از برای ساختن صابون رخت شوئی ولی بجهة اینکه مبادا اینکارخانه آن صابونهائی را که در داخله مشغول هستند میسازند بسازد بجهة این که جلوگیری ازاین خیال بکنند نوشته‌اند که اگر یك‌وقتی اینکارخانه یك‌چرم یایك صابون رابسازد که در داخله باشد ازمالیات معاف نباشد ویکوقتی اگر مالیات کسر شد بتوان گفت که‌همان اندازه که سایرین مالیات میدهند این هم میدهد واگر چنانچه بگویند که مثل این چرم یا صابون داخلی را این کارخانه ساخته است هیچ‌اشکالی نداشته باشدوازاین گذشته اصلا این کارخانه صابون رخت شوئی نخواهد ساخت این کارخانه برای ساختن صابونهای عطری دائر میشود وممکن است دراینجا یك کلمه اضافه کنند که صابونهای عطری رفع این اشکال بشود وچون این مطالب مدتی است پیشنهاد شده است ومکرر بمجلس آمده‌است وبرگشته است وخیلی‌طول کشیده است که‌ازمجلس بگذرد استدعا میکنم که زودتر این مسئله را بگذرانید برای این که خیلی از اشخاص منتظرند که به بینند ترتیب این اول امتیاز صنعتی که می خواهد از مجلس بگذرد بترتیب جدید بچه قسم خواهد گشت و چه قسم تسهیلات درحق او خواهند کردوخیلی بموقع‌است که‌این‌رابگذرانیم وبیش‌ازاین دراینخصوص‌مذاکره نکنیم برای اینکه بنده می‌دانم وچون‌در کمیسیون مذاکره‌شده‌است‌البته‌آقایان هم مسبوقند ومی‌دانند که اگر بغیر از اینطور بشود کمپانی هم اقدام نخواهد کرد واین زحمات وصرف وقت بی فایده خواهد بود ثانیاً پیشنهاد آقای حاج سیدابراهیم قرائت شد .

رئیس - آقای آقا سید حسین اردبیلی هم همین‌طوریك‌پیشنهادی کرده‌اندحالا اول‌رای‌می گیریم به پیشنهاد آقای حاج سیدابراهیم .

آقاسیدحسین اردبیلی - بنده گمان‌می کنم حذف کردن اینماده‌یعنی بکلی‌این‌مضمون‌را در این راپورت مسکوت‌عنه گذاشتن و اکتفا کردن بده ماده اصلح باشد برای اینکه در آن راپورت سابق یك‌چیزی داشت که‌باید ازمنافع خالص خودش این کمپانی‌درسالی صدی ده‌بدهد وماآن را برداشتیم چرا بواسطه اینکه‌امتیاز ردشد بنده عرض می کنم اینکه امتیاز نیست ولی بالطبع امتیازهست برای اینکه دراین رشته کسی‌بااو رقابت نمی کند و یك کارخانهٔ دیگری دائر نخواهد کرد و فقط منحصر خواهد شد این صنعت باین آدم وصاحبان کارخانه پس‌اگر اسماً امتیاز حذف شده باشد واقعاً هست برای‌اینکه کسان دیگردرمملکت این رقم‌کارخانه وارد نخواهند کرد اینکارخانه منحصر بخودش خواهد شد پس دراین صورت ماگر صدی ده از او مداخل نخواهیم و یك تخفیفی فوق العاده باو بدهیم گمان‌می کنم که‌این صحیح نباشدمیفرمایند تشویق البته خیلی لازم‌است دولت تجار خودش را تشویق کند که سرمایه خودشان رابکار بیندازند وتااین اندازه که همراهی ومساعدت شود بهترین تشویقی است که‌برای یك‌کارخانه می‌شودمانباید فراموش کنیم حال دیگران راباید این صنفی که درطهران خیلی هستند وتقریباً یك قسمت بزرگی می‌باشند رعایت حال اینهاهم بشود برای اینکه اینکارخانه تایك اندازه دایره تجارت سایرین‌را که تابحال‌میساخته‌اند محدود خواهدکرد ومالیاتی هم که ازاین راه بدولت میرسیده است کم کم رو بانحطاط خواهد گذاشت ازاینجهة عقیده بنده‌این است که هم رعایت حال دولت لازم است وهم‌رعایت حال اصناف وازاین راه هم لازم است یك منافعی بدولت برسد واینکه نوشته شده‌است مالیاتی اگر وضع شد تاچندان مدت معاف‌باشدنوشته‌نشده‌وبکلی اینماده مسکوت عنه بماند شاید بعدها طور دیگر مقتضی شد این است که بنده موافقم در این‌ماده باآقای‌حاج‌سیدابراهیم وپیشنهاد می کنم که‌اینماده بکلی حذف شود کسانیکه حذف این ماده را تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام‌نکردند ورد شد) .

پیشنهادی ازآقای حاج فاتح الملك بمضمون ذیل قرائت شد« بنده‌پیشنهاد می کنم که‌ازابتدای تأسیس اینکارخانه‌تادهسال ازمالیات معاف باشد و بعدازدهسال چنانچه مالیاتی ازبرای این‌قسم‌کارخانه ها وضع‌شدبدهد . »

رئیس — حالا اول رای می گیریم به پیشنهادآقای مؤتمن‌الملك — ثانیاً پیشنهاد مزبور اصلاح شده بعبارت ذیل خوانده‌شد .

ماده (ه) در صورتی که راجع بمنافع این کارخانه مزبوره ازتاریخ‌اینقرارداد از ادای‌مالیات تاپنج سال‌معاف‌خواهدبود ولی‌مالیات صنفی‌معمولی را باید بدهد »

رئیس — رای می گیریم به پیشنهاد آقای مؤتمن‌الملك‌بطوریکه خوانده‌شد - کسانیکه‌تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند وباکثریت تصویب شد) ماده دهم قرائت شد این‌اختصاصات و تخصیصات برای ربیع زاده و شرکاء مادامیکه مستقراست که‌تمام‌شرکاءتبعه‌داخله‌باشندهرکاه‌بنحوی ازانحاء خارجه‌دراین‌شرکت‌دخالت‌پیدا کنندار آن ببعد این اختصاصات از شرکاء سلب خواهد شده .

محمدهاشم‌میرزا — لفظ اختصاصات و تخصیصات یك معنی دارد و اینکه اینجا هر دو را نوشته اند نمیدانم اصطلاح هست یا اینکه‌بملاحظه دیگری نوشته شده بعقیده بنده هر دو را نوشتن لازم نبوده .

حاج‌سیدابراهیم — بنده هم می خواستم عرض کنم اگر معنی اختصاصات و تخصیصات همان انحصار باشد خوب است لفظ دیگری بجایش بگذارند .

افتخارالواعظین — بنده می‌خواستم‌عرض کنم که این از دو حال بیرون نیست بجهة اینکه این شرکاء یا با اتباع خارجه شرکت می کنند یا نمیکنند اگرشرکت نداشته باشند که این‌معافیت ثابت خواهد بود و اگر چنانچه اتباع خارجه خواستند شراکت و دخالت پیدا کنند از این معافیاتی‌که مجلس شورای ملی داده است بی بهره خواهندبود و مراد از این تخصیصات‌واختصاصات‌هم همان معافیت است .

آقاسیدحسین اردبیلی - اگر عوض تخصیصات معافیات نوشته شودکافی است‌دیگراینکه بعضی از این اختصاصات یك طوری است‌که ممکن نیست سلب شودبجهةاینکه بعضی‌چیزهااست‌که‌موقع ادمی گذردازقبیل‌حق گمرکی آنوقت‌دیگراختصاص نیست‌که ازاوسلب شود .

منتظرالسلطان مقصود ازاین‌اختصاصات که در اینجا نوشته شده است فرق داردبامعافیاتی که آقایان میفرمایند معافیات از قبیل مالیات و گمرك است ولی اختصاصات وتخصیصات‌عبارت از

www.iran-archive.com

آن زمین جاجرود و کرج است که اگر مهندس دید و پسند کرد داده می‌شود و اگر با اتباع خارجه شرکت کنند اینها منتقل نخواهد شد و بدولت بر می گردد .

کاشف — اینماده بطور واضح اجازه میدهد باین کمپانی که شرکت کند با اتباع خارجه برای اینکه می نویسد درصورتیکه شرکت کرد مامی گوئیم که از این معافیات و اختصاصات محروم است و در خصوص تاریخ بنده عرض می کنم که قانون چیزیکه نیست تعلق نمی گیرد و یا وقتیکه قانون دولت وضع نکرده است یا هیچ معنی ندارد که ما رای بگیریم که از تاریخی که دولت مالیات وضع می کند .

معزالملك - بنده با این ماده بکلی مخالف هستم بجهة اینکه اینماده می گوید که این اختصاصات بشخص داده نمی‌شود دولت برای تشویق این چیزها را میدهد پس چه فرق می کند برای مجلس شورای ملی که اینکار راکه انجام میدهد ربیع زاده باشد یا غیر ربیع زاده حالا چنانکه هست بدبختانه در مجلس شورای ملی دونظر دیده می‌شود که مانظرمان در این است که منفعت در این است که سد بکنیم جلوی پولهای خارجه را و نگذاریم وارد مملکت ما بشود و می‌خواهیم محدود بکنیم بقوه خودمان و این را بنده عرض می کنم که نظر صحیحی نیست و چنانچه تاریخ بما نشان میدهد اغلب جا ها با پول خارج ترقی کرده‌اند وضعیتشان را ترویج نموده‌اند چنانکه انگلستان ترقی کردند پس اگر ما هم نظر صحیح داشته باشیم باید هیچ ضدیت نکنیم یا اینکه یکی از کمپانیهای ما یا با اتباع خارجه برای ترویج صنعت داخلی و درکار های تجارتی خودمان هیچ این نظر را نباید داشته باشیم که پول خارج نباید وارد مملکت ما بشود و نباید داخل سرمایه تجارتی ما بشود پس اگراین نظر را داشته باشیم باید ضدیت کنیم با این ماده و اگر یك تخصیصاتی دادیم بیك کاری دیگر لازم نیست که همین اداره کننده آن کار تغییر کرد آن تخصیصات سلب می‌شود یابد بگوئیم هر کسیکه می‌خواهد در اینکار مداخله کند باید دارای آن اختصاصات و امتیازات باشد .

بهبهت — چون لفظ اختصاصات وتخصیصات محل توجه شد اول آنرا عرض می کنم بعد جواب آقای معزز الملك را عرض می کنم تخصیصات عبارت ازاین است که یك چیزهائی را باو واگذار کنید مثلا از قبیل اینکه از حقوق گمرکی معاف کنید مالیات دادن را ازاو بردارید بعبارت آخری یك قاعده عامیکه دارید در این مورد در حق او استثناء می کنید اختصاصات این است که اراضی باو می دهید وآب میدهید وغیرذالك این دوتادو چیز است چنانکه عرض کردم اختصاصات این است که بعضی چیزها باو داده میشود تخصیص این است که یك چیز عمومی درحق او استثنا میشود واما در باب فرمایش آقای معزز الملك عرض می کنم که ما هیچ مانع نیستم از اینکه پولهای خارجه واردمملکت ما شود واز همین جا بآواز بلند می گوئیم که ما درهای ایران را باز کردیم از برای اینکه اتباع خارجه پولهای خودشان را وارد کنند وترقی بدهند تجارت مملکت را وما با آنها همراهی داریم ولی آقای معزز الملك باید بدانند نظر یکه ما باتباع خارجه داریم واین معافیاتی راکه دادیم که گفتیم ازیك قسم ازمالیات معاف است وزمین دادیم دواها وادواتی راکه وارد میکنند از حقوق گمرکی معاف کردیم اگر ماخواسته باشیم اینهارا نسبت باشخاص خارجی ملاحظه کنیم فرق میکند ما این تشویقات را نسبت باتباع داخلی خودمان می کنیم که بدانند با آنها همراهیم وثروتشان را روی هم بریزند وصنعت داخلی را ترویج کنند نه نسبت باتباع خارجی به جهة اینکه آنها الحمد لله درسهاشانرا خوانده اند و فایده خودشان را برده‌اند و صنایع خودشان را محکم نموده‌اند و بنده همانطور عرض کردم تکرار می کنم که مادرهای ایران را برای آنها باز کرده‌ایم که بیایند وتجارت کنند لکن نه اینکه معافیت با آنها بدهیم برای اینکه این باالفصل یعنی بنظر یکه ما نگاه میکنیم می‌بینیم که یك ضرری ازاین راه باید دولت خواهد شد پس بهتر این است که این اختصاصات وتخصیصات نسبت باتباع داخلی باشد ونسبت بآنها که از خارجه می‌آیند یك مساعدتی خواهیم کرد اما نه باین اندازه .

حاج آقا — اما اختصاصات و تخصیصات راکه بیان کردند گمان می کنم یکی باشد بواسطه اینکه این یك مطلب لغوی است وتخصیص همانطور که گفتند اگر استثنا ازیك اتمامی باشد اختصاص هم همان معنی را دارد ودر برای اینکه تمام آنها در معنی دادن یك چیزی است بیك شخص یا یك کمپانی و ما بالنسبه بتجار و شرکاء خارجه اگر بخواهیم جلو گیری کنم از یك کمپانی که می خواهد شرکت باآنها بکند ابدا نمی توانیم جریان بدهیم امور تجارتی خودمان را ویك صنعتی را رواج بدهیم بجهة اینکه هر چه باشد باز محتاجند بخارجه هم بجهة سرمایه وهم بجهة تعلیم و غیر اینها وما اگر یك امتیازی را بیك نفر ایرانی بدهیم وشرط کنیم که اگر شرکت بادیگران آن معافیات از او بر داشته شود نه اینکه بنظر معاندت و ضدیت باابتاع خارجه باشد بلکه بنظر این است که این فقط تشویقی است از شعبه داخلی ومن نمی‌بینم که دراین مقام یك تشویقی از اینها کرده باشیم اگر این تخصیصات ومعافیت مخصوص باتباع داخلی میباشد واین فرمایشی را که آقای معزز الملك می‌فرمایند تصور می کنم دراین جمله‌اش بنده مخالف باشم که این اختصاص را دولت باید باینکارخانه میدهد دیگر اداره کننده او هر کس میخواهد باشد

رئیس - حالا رای میگیریم دراین ماده یك مرتبه خوانده می‌شود — ماده ۱۰ این تخصیصات برای ربیع زاده وشرکاء مادامی مقرر است که تمام شرکاء تبعه داخله باشند — هر گاه بنحوی از انحاء اتباع خارجه دراین شرکت دخالت پیدا کنند از آن تاریخ ببعد این اختصاصات از شرکاء سلب خواهد شد .

رئیس - رای میگیریم کسانیکه این ماده را بطوریکه اصلاح وخوانده شد تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند .

رئیس - حالا رای میگیریم بر کلیه اینقرارداد

حاج شیخعلی - چون سابق دراین قرارداد یك ماده بود که اگر این کمپانی در ظرف یك سال ونیم اقدام نکرد این امتیاز از درجه اعتبار ساقط خواهد بود حالا خوبست یك ماده باین مضمون دراینجا زیاد شود (گفتند آن انحصار بود که این ماده را لازم داشت)

رئیس - رای میگیریم کسانیکه کلیه اینقرارداد را بطوریکه موادآن خوانده شده ورای گرفته ایم تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و قرارداد نامه کارخانه صابون سازی وچرم سازی به اکثریت از مجلس شورای ملی گذشت) شروع به شور در بقیه قانون محاسبات عمومی گردید محاسبات وزراء — ماده ٤٤ وزیر قرائت شد کمیسیون این طور پیشنهاد کرده بود (ماده ٤١ وزرا درآخر هر سنه مالیه حسابهای ذیل را باید بطبع رسانیده به وکلا توزیع ودر خارج منتشر نمایند) .

حاجی سید ابراهیم - این ماده درست ازبرای اینکه صفحه بعد که به ماده ٤٥ یا ٤٦ می‌رسد در آنجا حساب مخارج دو ماده است وحساب عایداتش هم دو ماده است پس این بهتراست برای تمام هیئت وزراء هر کدام دخل و خرج خودشانرا درآخر هر سال طبع کنند همین طوریکه بایدبودجه شان را درآخر سال به مجلس شورای ملی بیاورند باید اینها هم این صورت را معین کنند وبه وزارت مالیه بدهند که وزارت مالیه بامحاسبات خود وزارت مالیه به مجلس ودیگران حساب بدهد دیگر اینکه بوکلا توزیع کنند معنیش این است که بدون عنوان آنکه بمجلس بیاورند درخارج باید بوکلا بدهند ومنتشر سازند واین هیچ لزومی ندارد باید بوزارت مالیه بدهند .

فهیم الملك - اولا عرض میکنم که پیشنهاد شدن حساب وزراء در لایحه وزیر خیلی مختصر و بی ترتیب وغیر مفید بود یعنی آن چیزهائیکه لازم بوده نوشته نشده بوده وتشریح وتوضیح درآن به عمل نیامده بود وچند سطری راهم نوشته شده بود کافی نبود که مجدداً آنرا تکمیل کرده و توضیح کردیم و در ضمن این پیشنهاد تقدیم کردیم و گفتیم که ما یك سنه مالیه داریم و یك دوره عمل تاآخر سال است یعنی دوسال پس در وقتیکه دو سال گذشت سنه مالیه ختم می‌شود ووزراء هم دوقسم است یك حساب حساب دورهٔ عمل خواهد بود یکی هم حساب سنه مالیه وزیر مالیه هردو حساب را باید بدهد ولی سایر وزرا فقط حساب خرجیکه خواهند داد حساب دورهٔ عمل است حالا این‌ها شرحش بعد می‌آید واین حسابها را که می نویسند باید قبل از وقت بوکلا بدهند که وکلا هم قبل از وقت مرور کرده باشند وبدانند وزراء چه حسابی رادرحساب خودشان آورده اند ومالیه هم بداند چه چیز را از حساب خودش آورده است وحساب مالیه را که وزارت مالیه میدهد اورا تصدیق بکند واین نه فقط برای مجلس ووزارت مالیه خواهد بود حساب مملکت همیشه بایدبشوددر تمام جاها که تمام بدانند که مملکت دخل و خرجش

چیست حالا در این ماده فقط نوشته شده است وزرا باید بدانند که ۴ حساب باید بدهند یکی مخارج و یکی هم محاسبات کل مالیه است و آن محاسبات کل مالیه منتشر خواهد شد تا اینکه بتوان صحت وزارتخانه ها را با یکدیگر مقایسه کرد

محمدهاشم میرزا — در این تفصیلی که نوشته شده است بوکلا توزیع شده خوب است چون در این دوره نماینده اصلاح قرار داده اید این جا هم خوب است بجای وکل نماینده شود .

عزالملك - بعقیده بنده چون این ۴ فقره است که در اینجا نوشته شده است و شرح آنها در مواد علیحده می‌آید خوب است این ۴ قسمت هم در جزء ماده ۴۱ نوشته شود و الا این که در ماده دیگر باشد و اینجا نوشته شود صحیح نمی‌دانم و دیگر اینکه « بطبع رسانیده بنمایندگان توزیع و در خارج منتشر می‌نمایند » « منتشر میشود» نوشته شود .

حاجی شیخعلی — این عبارت بهتر این است که نوشته شود « هر ساله تقدم مجلس کنند» بواسطه اینکه وقتیکه بمجلس آمد آنوقت بنمایندگان هم توزیع میشود .

مشیرالدوله - از اینکه آقای مخبر توضیح داد مفهوم شد که عایدات راجع است بوزیر مالیه ولی در ماده ۴۱ مطلق است باینجهة بنده پیشنهاد می‌کنم برای اینکه سوء تفسیر نشود بنویسد بطوری که در مواد ذیل نوشته می‌شود .

آقامیرزا احمد - این ماده مشتمل است بر فهرست ۴ مطلب که بعد می‌آید که یکی مخارج و یکی عایدات و یکی محاسبات و معلوم نیست حال فصولیکه بعد می‌آید و مربوط باینها است که آیا آنها قبول می‌شود یا رد می‌شود پس باید مذاکره کرد در هرسه آنها و بعد رأی گرفت و الا اگر در موادیکه بعد می‌آید تغییری داده شد آن وقت رای اولی غلط می‌شود این را باید گذاشت که بعد از رای در آن مواد تصویب شد .

رئیس — رای می‌گیریم کسانیکه موافقند با ماده ۴۱ بطریقیکه خوانده شد قیام (اغلب قیام نمودند و باکثریت تصویب شد) ماده ۴۳ وزیر قرائت شد کمیسیون این طور پیشنهاد کرده بود « ماده ۴۲ در اول هرسال هریك از وزراء صورتی از مخارج عمل معینه خود ترتیب می‌دهند این حساب شامل کافه عملیاتی خواهد بود که از افتتاح تا اختتام دوره بعمل آمده است و مطالب ذیل را مندرج خواهد بود ۱ اعتبارات معینه ۲ مخارجیکه لزبابت حقوق دائنین دولت موقع خرج پیدا کرده است ۳ وجوهی که بموجب حواله پرداخته شده است ٤ تتمه مخارج که باید پرداخته شود ٥ فاضل اعتبارات برمخارج ٦ اعتباراتیکه کل یا جزء آن مصرف نشده و باید برگشت و یا بسال بعد منتقل شود مطابق ماده پنجم ۷ مقایسه مخارج مشروحه در فصول و مواد عمل منقضیه یا مخارج دوره قبل از آن و تعیین اختلاف یا ذکر سبب آن ۸ اعتبارات قطعی دوره عمل .

حاجی سیدابراهیم - اینجا می گوید در اول هر سال ، چون دوره عمل را این طوریکه آقای مخبر بیان کردند دو سال است و بنا بر این در وسط سال که نمی‌توانیم بگوئیم مخارج سال دوره منقضیه پس باید اینطور نوشته شود اول سال هر دوره منقضیه را ترتیب بدهد .

افتخارالواعظین — اینجا نوشته است که « صورتی از مخارج دوره عمل منقضیه خود» وزیر که معزول شد دیگری بجای او می‌آید و این که آمد صورت دوره عمل منقضیه دیگری را که رفته است که نباید بدهد باید نوشته شود صورت عمل منقضیه وزارتخانه .

محمدهاشم میرزا — (مطالب ذیل را مندرج خواهد بود) فصیح نیست باید بنویسد (مطالب ذیل در آن مندرج خواهد بود) ودیگر اینکه (مخارجیکه ازبابت حقوق دائنین دولت موقع خرج پیدا کرده است) (فصیح نیست باید گفت)مخارجیکه ازبابت حقوق دائنین دولت پرداخته شده است

فهیم‌الملك — موقع خرج پیدا کردن غیر نمیشود بجهت اینکه مثلا ده هزار تومان قرارداده شده است که عمارتی را بسازند این بنا ماخذ شده است وموقع خرج پیدا نکرده است حالا ممکن است تمام وجه آن پرداخته شده باشد عبارت بهتر از این نمیشود .

عزالملك - اینجا که فرمودند موقع خرج پیدا نکرده است یا تخصیص وحواله نشده است منتقل بسال میشود .

فهیم‌الملك — اینکه در آخر اضافه شده است مطالبشان شرحش در آنجا ذکر شده است که آنچه ترك میکند از حساب بودجه ها و آنچه درمواعد مقرره حواله نمیشود برمیگردد آن دوره عمل نشده است

آقا میرزا ابراهیم قمی - اینجا میگوید که دراول هر سال وزرا صورتی از دوره عمل خود را میدهند خوب نیست باید نوشته شود (اول هر سال دوره عمل هریك از وزارتخانها)

شیبانی - (و مطالب ذیل را مندرج خواهد بود) غلط است و(مطالب ذیل را مشتمل خواهد بود درج میشود) نوشته شود .

فهیم‌الملك - بجای « منقضیه » گذشته بگذاریم ماده مزبور بعد از تصحیح مجدداً بطوری ذیل قرائت شد (ماده ٤۲) دراول هرسال هر یك ازوزراء صورتی ازمخارج عمل منقضیه وزارتخانه راترتیب میدهند این حساب شامل کافه عملیاتی خواهد بود که ازافتتاح تا اختتام دوره بعمل آمده است و مطالب ذیل درآن مندرج خواهد بود(۱) اعتبارات معینه (۲) مخارجیکه ازبابت حقوق دولت موقع خرج پیدا کرده است (۳) وجوهیکه بموجب حواله پرداخته شده است(٤) تتمه مخارج که بایدپرداخته شود [٥]فاضل اعتبارات برمخارج (٦)اعتباراتیکه کل یاجزء آن مصرف نشده و باید برگشت و یا بسال بعدمنتقل شود مطابق ماده پنجم (۷) مقایسه مشروحه درفصول ومواد بودجه دوره عمل منقضیه یامخارج مشروحه درمواد بودجه دوره قبل ازآن وتعیین اختلاف یاذکر سبب آن(۸) اعتبارات قطعی دوره عمل .

رئیس — رای میگیریم بسر ماده ٤۲ کمیسیون بطریقی که خوانده شدن کسانیکه موافقند با ماده مزبوره قیام نمایند(اغلب قیام نمودند وباکثریت تصویب شد)ماده ٤٥ -وزیر قرائت شد کمیسیون باینطریق پیشنهاد کرده بود ماده ٤۳ - حسابهای دوره عمل وزرا باید بیك خط وازروی یك قاعده ترتیب شده وعین تقسیمات فصول ومواد بودجه را بنمایددر این ماده اظهاری نشد

رئیس — پس رای میگیریم کسانیکه با اینماده بطریقی که کمیسیون پیشنهاد کرده است موافقند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) ماده (٤٤) وزیر مالیه علاوه برصورت مخارج وزارت مالیه که مطابق دوماده فوق مثل سایر وزرا ترتیب میدهد صورت کلیه عایدات دولتی را که حاوی فقرات ذیل میباشد ترتیب خواهد نمود (۱) برآورد عایدات(۲) حقوق تحقیقی دولت از بابت عایدات و مالیات عمومی (۳) وجوهیکه وصول شده است (۲٤) تتمه عایدات که بایدوصول شودوجوهیکه ازبابت عایدات دوره عمل منقضیه وصول میشود بایددرجزء عایدات دوره عمل جاریه محسوب شود .

افتخارالواعظین — مرتب خواهد نمود قانونی نیست مرتب می‌نماید .

مشیرالدوله — ازتوضیحیکه مخبر داد معلوم میشود که صورت حسابیکه وزیر مالیه خواهد داد راجع بدوره عمل است برای اینکه سوء تفاهم نشود اینطور نوشته شود که «صورت کلیه عایدات دولتی که حاوی فقرات ذیل باشد ازبابت عمل گذشته مرتب خواهد نمود .»

موتمن‌الملك — درکمیسیون قراربوده است که هرجا تحقیقی است مقابل آن تخمین بنویسند اینجا هم باید بنویسند حقوق تحقیقی وتخمینی پس از اصلاح ماده مزبوره مجدداً بعبارت ذیل قرائت شد [ماده ٤٤ وزیر مالیه علاوه برماده فوق مثل سایر وزراء ترتیب می‌دهد صورت کلیه عایدات دولتی را حاوی فقرات ذیل باشد از بابت دوره عمل گذشته مرتب می‌نماید [۱] برآورد مالیات [۲]حقوق تحقیقی دولت از بابت عایدات و مالیات عمومی] ۳] وجوهیکه عایدشده است (٤) تتمه عایدات که باید وصول شود- وجوهیکه ازبابت عایدات دوره عمل گذشته وصول میشود باید در جزء عایدات دوره عمل جاریه محسوب شود .

رئیس — رای میگیریم: این ماده بطوری که قرائت شد کسانیکه باماده ٤٤ موافقند بطریقی که پیشنهاد شده است قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و باکثریت تصویب شد)

رئیس — بقیه شور این قانون می ماند بجلسه آتیه (راپورت کمیسیون عرایض قرائت شد بدین مضمون) رور پنجشنبه ۱٤ کمیسیون عرایض فوق‌العاده منعقد گردیده و عریضه جناب عزالملك نماینده کردستان مشتمل برمرخصی دوماه و از ۲۰ ذیقعده الی ۲۰ محرم ۱۳۲۹ قرائت گردید نظر بدلایل که جناب معزی‌الیه اقامه کردند کمیسیون مرخصی ایشان را باکثریت تصویب می‌نماید مابقی

www.iran-archive.com

بسته برای نمایندگان است .

ادیب التجار — آقای عزالملك چندین مرتبه تشریف آوردند ومعاذیر صحیحه خودشان را اظهار کردند ولی تا این ساعت که زنك زدند وما حاضر شدیم بنده اطلاع ندارم که اکثریت کمیسیون رأی به تشریف بردن ایشان داده باشد واما عقیده‌ام درباب آقای عزالملك این است که عرض میکنم چندین نفر دیگرهم از وکلا هستند که استدعای مرخصی کرده‌اند ازمجلس واگر اینها را تصویب کنیم دچار اشکال خواهد شد برای کافی شدن عده و آقایان نمایندگان هم تشریف داشتن ایشانرا در مجلس خیلی اهمیت میدهند وگمان میکنم که ایشان هم با عقیده بنده شریك باشند واگر هم ضررهای فوق‌العاده بایشان میخورد دراینموقع ازمجلس تخلفی نکنند .

سلیمان میرزا — درصورتی که مخبر کمیسیون عرایض اظهار کردند که نمی‌دانم این عریضه در کمیسیون با کثریت گذشته است یا خیر این چه راپورتی است که داده شده است .

رئیس — ایشان مخبر نیستند .

سلیمان میرزا — بعلاوه بنده یادآوری میکنم محظور اتیکه ما هر روز دچار هستیم وآن تکمیل نشدن عده است با آن سختیکه درقانون اساسی نوشته شده است که باید عده اشخاصی که عضو مجلس هستند وموقع مذاکره واخذ رأی بدو ثلث وسه ربع برسد ویکعده ما داریم که عضو مجلس هستند وتکلیف را معلوم نکردند مثل آقاسید علی آقا وبعضی آقایان دیگر ومثل آقاشیخ جعفر مازندرانی که عضو هستند وهنوز تشریف نیاورده‌اند ومامجبوریم که آنها را جزء اشخاص حاضره مجلس فرض کنیم ودو ثلث وسه ربع را با آنها محسوب کنیم این است که یك اشکالی پیدا میشود درصورتیکه ما این محظور را داریم واینعده هم که لاعلاج حاضر نمیشوند وباید هرروز آنهارا اعضای حاضره حساب کنیم حالا بر فرض یك جماعتی هم بواسطه مرخصی بر آنها بیفزائیم وقتیکه افزودیم آنوقت باید روزها رئیس ساعت سه قبل ازغروب که وقت انعقاد را معین میکند وبا اینکه یك جماعتی تاساعت دو ونیم حاضر شوند وعده کافی شود بواسطه یك نفر .

بهجت — روز یکشنبه آقای عزالملك تشریف آوردند بکمیسیون عرایض آقای ادیب التجار هم تشریف داشته ودلایل خودشان را ذکر کردند وحتی اینکه برای اینکه مطلب خوب خاطر نشان آقایان شود میخواستند تقاضای مجلس خصوصی کنند وامروز صبح که این راپورت نوشته شده بود کمیسیون فوق‌العاده تشکیل شد چون کمیسیون فوق‌العاده شده بود وبنده مسبوق نبودم بعد آقای رئیس کمیسیون به بنده نوشتند کمیسیون فوق‌العاده تشکیل ودر باب مرخصی آقای عزالملك گفتگو شده وباکثریت تصویب شد راپورتش را بدهید وخودم هم عقیده‌ام این است که مرخصی ایشان را تصویب نمایند .

عزالملك — باز بدبختانه مثل اکثری ازموارد مجبور شدم اعتراض نمایم درموقعیکه راپورت کمیسیون عرایض راجع بمرخصی نماینده بمجلس میآید چرا باید مثل یك ماده قانون بسیار مهمی مطرح مذاکره شود اگر بنده توضیحی ندهم و شرح حال خود را عرض ننمایم کدام یك از آقایان نمایندگان دردهای بنده را میدانند بنده وقتیکه بنمایندگی انتخاب شدم کارهای شخصیم خیلی پریشان بود ولی عشق زیادی داشتم که زودتر باین مکان مقدس شرفیاب شوم و از مرکزهم تأکید میشد که نمایندگان زودتر در مرکز حاضر شوند برای اینکه مجلس افتتاح شود باینجهة بنده هیچ چیزرا مانع قرار ندادم و باکمال عجله و شتاب آمدم واز آنوقت تاکنون هرقدر اهتمام کردم کارهای شخصیم اصلاح شود نشد واگرچه نمیخواهم عرض کنم که مجبورم نمودید لابدم مکنون خاطر خودم را عرض نمایم بنده اینطور استنباط می کنم که یکوقتی بااستعفا ازمجلس بیرون می‌روم و چون پس از استعفا نمیتوانم بکردستان بروم بجهت اینکه موکلین بنده ازمن جهة استعفا را می پرسند اگر موانع ومعایب کاررا بیان بکنم خیانت است زیرا که خیال صاف آنها مشوب میشود واگرمعایب وجهت استعفا را نگویم درواقع مثل این است که خودرا تخطئه کرده باشم ونیز نمیتوانم درجای دیگر تعیین نمایم زیرا امورات شخصیم تصفیه نشده است پس مجبورم که اجازه مرخصی ازمجلس مقدس خواسته بولایت رفته کارهای شخصی را اصلاح کرده معجلا مراجعت نمایم آنوقت حال ازسه فقره خارج نیست یاوضع رابهتر ازحالیه می بینم یامثل حالا یا خدای نکرده بدتر درصورت اول که منتهای خوش بختی است بنده وهمکارانم دوره وکالت را بآخر رسانده نام بزرگی تحصیل مینمائیم در صورت دوم مثل حالا که مأیوس نیستم مشغول خدمت میشویم در صورت سیم هروقت دیدم به منتهی درجهٔ یأس رسیدم باکمال بدبختی وتأسف استعفامیدهم وچون روی برگشتن کردستان راندارم میروم دریك جای دنیا زندگی مینمایم.

رئیس — رأی میگیریم کسانیکه باراپورت کمیسیون که مرخصی دوماهه آقای عزالملك را تصویب کرده موافقند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و باکثریت تصویب شد).

رئیس — جلسه آتیه روز شنبه ودستور آن از اینقرار است — شور در بقیه قانون محاسبات عمومی - شور ثانی درامتیاز طلا شوئی کوه زر — اگر وقت باشد راپورت کمیسیون خارجه راجع به استخدام بلژیکی .

مجلس نیمساعت بغروب مانده ختم شد .

جلسه ١٧٨
صورت مذاکرات روز شنبه ١٦ شهر ذی‌قعده الحرام ١٣٢٨

مجلس دوساعت وبیست دقیقه قبل ازغروب آفتاب در تحت ریاست آقای ذکاءالملك تشکیل شد .

صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای معاضد الملك قرائت نمود .

(غائبین جلسه قبل) قوام‌الاسلام - حاجی میرزا آقا - نوبری - آقاسید محمدرضای مساوات - آقاسید علی آقا - حاجی وکیل الرعایا بدون اجازه - حاج محمد کریم خان قشقائی مرتضی قلیخان بختیاری با اجازه غایب - آقایان فهیم الملك - طباطبائی - حاج آقا - سپهدار اعظم - سردار اسعد - حاجی امام جمعه - ناصر الاسلام درموقع مقرره حاضر نشده .

وکیل التجار - تربیت - لواءالدوله - حاجی میرزا - زین‌العابدین قمی مریض بودند .

رئیس — درباب صورت مجلس ملاحظاتی اگر هست بفرمائید .

ناصر الاسلام — بنده را نوشته‌اند که در وقت مقرره حاضر نشده‌ام ولی بنده تعجب دارم درساعت سه ونیم ازوقت مقرره نیمساعت زودتر آمدم ودر اواخر مجلس چون کسالت داشتم ازرئیس کتبا اجازه خواستم ورفتم اینقدر اشتباه تا این اندازه نمیشود .

فهیم‌الملك — اینکه نوشته اندازموقع مقرره دیر آمده‌ام هیچ درنظر ندارم و پیش از وقت حاضر بودم دیگر اینکه در قانون محاسبات عمومی گویا خوانده شد که تا ماده ٤٢ رأی گرفته شدو حال آنکه تا ماده ٤٤ رأی گرفته شده .

معاضدالملك — خیر تا ماده ٤٤ نوشته شده است بنده هم میخواستم عرض کنم همه‌روز در صورت مجلس اسامی غائبین مسافرین که بدون اجازه مسافرت کرده اند نوشته میشود بنده خواستم عرض کنم که هیچ فایده ندارد این را در روزنامه‌ها بنویسند در صورت مجلس همان اسامی اشخاصی که حاضرند درطهران و غیبت میکنند نوشته شود که اینقدر تضییع وقت مجلس نشده باشد (گفته شد صحیح است) (چون اظهاری نشد رئیس صورت مجلس را امضاء نمود) شروع بشور درقانون محاسبات عمومی گردید (محاسبات کل مالیه) ماده ٤٦ وزیر قرائت شد کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود (ماده ٤٥) وزیر مالیه درآخر هرسنه مالیه صورت محاسبات کل سنه ماضیه را تهیه نموده و منتهی تاچهار ماه از سال گذشته بمجلس شورای ملی ودیوان محاسبات تقدیم مینماید این حساب که مبنای اصلی لایحه قانونی تفریغ بودجه خواهد بود باید شامل تمام عملیات راجعه بوصول ومصرف وجوه دولتی وحاکی از کیفیت امور عایدات ومخارج ازاول سال تا آخر سال بودجه باشد مستند این حساب موادمشروحه ذیل است .

اولا حساب مالیات وعایدات عمومی - این حساب بترتیب سال ودوره عمل واقسام عایدات باید فقرات ذیل را احاوی باشد (الف) حقوق تحقیقی دولت (ب) وجوهیکه از این بابت وصول شده است (ج) بقیه وجوهیکه باید وصول شود ثانیا حساب مخارج عمومی - این حساب باید بنسبت سال ودوره عمل وزارتخانه وفصول ومراتب ذیل را تعیین کند (الف) حقوق ثابة دائنین دولت که در ازای خدمات انجام یافته عرض سال است (ب) وجوهیکه از بابت این حقوق پرداخته شده است (ج) نتمه مخارجیکه باید پرداخته شود (ثالثا حساب خزانه - این حساب باید مسائل ذیل را متضمن باشد (الف) وجوهیکه مابین محاسبین ونحویلداران دولت ردوبدل میشود (ب) صدور استرداد ممسکات خزانه که بوعده است مستند این حساب صورت مطالبات ودیون اداره مالیه و صورت قروض جاریه دولت خواهد بود رابعا - حساب بودجه‌ها - این حساب عبارت است ازیك صورتی که کیفیت قطعی و تحقیقی دوره عمل منقضیه وموقتی دوره عمل جاریه درآن مصرح باشد در این حساب باید از یکطرف در جزء بودجه عایدات میان عایدات تخمینی وحقوق تحقیقی دولت باوجوهیکه ازاین بابت وصول شده است ازطرف دیگر درجزء بودجه مخارج وبیان اعتبارات وحقوق تحقیقی دائنین دولت باوجوهیکه بموجب حواله و ابلاغ ووزراء پرداخته شده است مقایسه بعمل آید .

حاجی سیدابراهیم — در اینجا میگوید منتهی تا چهار ماه از سال گذشته به مجلس

شورای ملی و دیوان محاسبات تقدیم مینماید ظاهرش این است که یك صورت می‌نویسد می‌دهد بمجلس یك صورت هم میدهد بدیوان محاسبات لکن قانون دیوان محاسبات که یك شورش هم گذشته است دریك ماده آن نوشته است حسابهای وزارتخانه‌ها بامحاسبات کل مالیه در صورت تطبیق وبعد ازرسیدگی تفریغ مینماید وهمچنین درقانون اساسی هست که تفکیك محاسبات ورسیدگی بکلیه محاسبات دولتی از وظیفه و حق دیوان محاسبات ذکر شده‌است بعد بمجلس شورای ملی تقدیم‌بکند ویکی دیگر این‌عبارت که میگوید «ورابحساب بودجه ها — این حساب عبارت است ازیکصورتی که کیفیت قطعی وتحقیقی دوره عمل منقضیه‌و کیفیت موقتی » لفظ موقتی که مقابل تحقیقی است غلط است باید درمقابل تحقیقی لفظ تقریبی هم نوشته شود بجهة‌اینکه موقتی‌مقابل دائمی‌است‌نه‌تحقیقی .

فهیم‌الملك - چون این ماده دارای چند جزء مختلف است باین جهة استدعا میکنم درجزء بجزء داخل مذاکره شویم تادرست ملتفت شوند و حالا دراین مسئله که فرمودید که دیوان‌محاسبات باید قبل ازمجلس شورای ملی بیك حسابی برسد - وبعدازرسیدگی دیوان محاسبات باید بیاید بمجلس آن یك چیزی است که درضمن شور ثانی قانون دیوان‌محاسبات‌توضیح‌داده‌خواهدشد آن‌این‌حسابها نیست حسابهائی است که باید بیاید بمجلس یعنی باید بیاورند مثل قانون بودجه بمجلس ومجلس در آن رای‌بدهد این حسابهائی که مقدمة وقبلا وزرا بمجلس شورای ملی میدهند و بطبع میرسد و بین وکلاء منتشر میکنند آن برای اینست که وقتی بمجلس شورای ملی میآید معطل نشوند و زود بتوانند درآن رای قطعی بدهند اینها تمام برای رسیدگی است وبعد از این یك حساب دوره عمل پس هیچ تفاوتی نخواهد کرد ازاینکه بنویسیم‌در آخر یك‌سال‌حساب‌وزراء یاحساب دوره عمل . یکی هم حساب سنه مالیه است که سال که ختم میشود میدهند باقی چیزها چیزی است که دراین قانون خواهدآمد وخوب است بجای اینکه وزیرمالیه در آخرهرسنه‌مالیه صورت‌حساب رابدهد نوشته شود صورت محاسبات کل سنهٔ ماضیه را وآن واضح تر میشود یعنی آن حسابرا تهیه میکند تا چهارماه‌از سال گذشته بمجلس می‌دهد با این شرایطی‌که جزء بجزء بمجلس داده است اصلاح عبارتی از طرف حاجی شیخ علی بمضمون ذیل پیشنهاد شد - وزیر مالیه در اول هرسنه مالیه صورت محاسبات کل سنه ماضیه را تهیه نموده و منتهی تا چهار ماه ازسال گذشته بمجلس شورای ملی تقدیم می نماید این صورت حساب که مبنای لایحهٔ‌قانونی‌تفریغ‌بودجه خواهد بود باید شامل‌عملیات‌راجعه بوصول‌ومصرف وجوه دولتی چه از سنهٔ مالیه و چه از دورهٔ عمل بوده باشد .

حاجی‌سیدابراهیم - این فرمایش آقای مخبررا نفهمیدم بجهة اینکه بمجلس‌شورای‌ملی‌باید در وقتی پیشنهاد شود که محل حاجت است برای مجلس و بس اینجا ابداً لفظ مجلس شورایملی را نباید نوشت بجهت‌اینکه‌اینجا نوشته بمجلس‌شورای ملی و دیوان محاسبات تقدیم میکند بنده عرض میکنم در صورتی که محتاج برای نیست نباید بمجلس‌شورای ملی تقدیم نماید و دیگر اینکه آقای مخبر می‌فرمایند که در ضمن شورثانی‌قانون دیوان محاسبات توضیح میشود بنده عرض میکنم در هردو شور اول شده است و شور ثانی او باقی است و الان حال آن لایحهٔ دیوان محاسبات باحال این قانون محاسبات عمومی یکی است بجهت‌اینکه شور ثانی هر دو باقی مانده و مطابق با دیوان محاسبات است و حساب تفریغ هیچیك‌ازهم‌تفکیك نمی‌شود مگر باین رسیدگی‌ها وآنرا حق دیوان محاسبات قرار دادیم و بنده عرض میکنم که آنجا نوشته شود منتهی تا چهار ماه از سال گذشته به مجلس شورای ملی تقدیم می کند وقتی که محتاج برای باشد و اینجا محتاج برای مجلس شورای ملی نیست .

فهیم‌الملك - در قانون اساسی قید میکند که« دیوان‌محاسبات‌مأمور معاینه وتفکیك‌محاسبات اداره‌مالیه وتفریغ‌حساب کلیه‌محاسبین‌خزانه‌است‌معلوم است‌محاسبات کلیه‌محاسبین‌راجع بحساب دولتی است دیوان محاسبات با وزراء طرف نمی‌شود که‌وزراء را بیاورند در دیوان محاسبات و حساب آنها را برسند ولی حساب وزارتخانه ها که دست محاسبین است‌می آورد یکی‌به‌یکی‌رسیدگی‌می کند‌یك‌تکلیفی دارد دیوان محاسبات از وزارتخانه‌ها آن‌حسابهائی که بدیوان محاسبات‌می‌دهند چنانچه عرض شدباید از روی اسناد و صورتی که محاسبین جزء وزارت مالیه میدهند با این حسابهائی که درآخر هردوره عمل طبع و نشر میکنند‌باآن‌حسابها این‌حسابهای جزء رامقایسه نکنید یعنی به بینید همین‌طور است یا خیر و همین کاری است که نمایندگان باید در مجلس بکنند یعنی آن صورت‌حساب مخارج را که وزراء طبع و نشر کردند و بوکلا دادند برای چیست؟ برای مطالبه کردن اینکار هاست با همدیگر از برای رسیدگی کردن موقعی که آن لایحه قانونی تفریغ بودجه بیاید‌اینکه گفتند برای همین است این مقابل این حسابهائی‌است که درسه ماده پیش خواندیم و گفتیم که باید بمجلس‌شورای ملی‌بدهند .

بهجت-اینجاد واشکال شده‌وبنظربنده هردو صحیح‌است‌اولا اینجادارد «وزیرمالیه درآخرهرسنه مالیه صورت محاسبات کل سنه ماضیه را تهیه‌نموده اگراینطور باشد آنوقت به نسبتی که ما حساب می کنیم مثلا در آخر ۱۳۲۸ حساب سنه ۱۳۲۷ را بدهدبااینکه‌مقصود این‌نبوده‌مقصوداینست که‌در آخر هر سنه‌مالیه حساب همان رابدهد این‌عبارت ناقص است و یکی دیگراشکالی که آقای‌حاجی‌سید ابراهیم فرمودند معلوم است یعنی‌اگر ازمحاسبات عمومی گذشته‌باشد ودر آن‌اگرنظراتی که‌لازم‌است نشده‌باشدبعدبیایدبدیوان محاسبات و اگر مقصود اینست که یك صورتی بدیوان محاسبات بدهند یك صورت هم بدهند بمجلس این معلوم است یك‌چیز قانونی نیست بجهة اینکه چیزی که اهمیت داردبعد ازآنکه آمد بمجلس وتصویب‌شد آنوقت بایدبدهند بدیوان‌محاسبات .

فهیم‌الملك — اینجا اشتباه فرمودیداین محاسباتی که آنجا میدهند این آن نیست آن‌یك مطلب دیگری است که ذکر می‌شود ربطی بآن مطلب ندارد این صورت حساب وزارت مالیه است ودر حقیقت حساب‌عایدات و مخارج دوره عمل‌است و این حساب سنهٔ مالیه یعنی حساب صندوق است در آخر سال وزارت مالیه باید بگوید که درعرض این سال چقدر پول بدست من آمد و چقدرخرج شد و بهمین لفظی‌که (امور عایدات و مخارج از اول سال تا آخر سال) کویا شامل اینها باشدکه فرضا از بابت تخافوی ئیل گرفته شد فلانقدر واز بابت قوی ئیل فلانقدر و از بابت ثبت‌ئیل فلانقدر رویهم فلانقدر خرج شده آنچه از بابت دوره عمل حساب شده چقدر بود و آنچه از بابت سنهٔ مالیه حساب شده چقدر است این برای اینکه حساب یکساله اورا بدانند و محاسبین باید دخل‌و خرج را نگاهدارند و معلوم‌است که وقتی‌که دو فقره از این حساب را بهلوی هم گذاشتند کار محاسبات مرتب خواهد شد و این ربطی بآن لایحه قانونی‌تفریغ بودجه‌که دیوان‌محاسبات بایدرسیدگی کند و بمجلس بیاید ندارد محاسبات کل را که به دست نمایند گان دادند آنوقت می‌توانند حساب کل دو ساله را با همدیگر تطبیق کنند و حساب یك دوره عمل وزراء را از روی آن تصویب یارد کنند

حاج شیخ‌علی خراسانی - یکعبارتی در آخر این پیشنهاد بنده بود که راجع باین بود که هم در آخر سنهٔ مالیه باشد هم دراول آن‌وآن پیشنهاد کمیسیون که در اینجا قید شده‌است مبهم است و عبارتی راکه‌بنده پیشنهاد کرده ام عین‌همین ماده است فقط یك‌اصلاح عبارتی است که درست واضح شود و مطلع شوند و درهمان پیشنهاد رای بگیرند بهتر است .

فهیم‌الملك — اینجا نوشته‌است که‌حاکی از کیفیت عمل ومخارج از اول سال تا آخرسال‌بوده باشد دیگر شرح‌نمیدهد که‌حکماً مال آن سال‌باشد و بعد که درذیل آن شرح میدهید (حساب‌مالیات و عایدات عمومی) این‌حساب بترتیب سال ودوره عمل و اقسام عایدات فقرات‌ذیل‌را حاوی‌باشد .

مشیر الدوله — اینجا در حساب خزانه‌می گوید (۱) وجوهی که‌مابین محاسبین و تحویلداران دولت ردو بدل میشود — اینجا اشتباه شده است باید نوشته شود (وجوهی که ما بین تحویلداران ردو بدل میشود)

فهیم الملك - محاسبین دراینجا زیادی است مابین تحویلدران ردوبدل میشود کامی‌است .

حاج شیخعلی خراسانی - در فقره‌ثالث در جزء ثانی صدور استرداد تمسکات بنده معنیش رانفهمیدم (گفته شدصدور استرداد)بعد ازاصلاح ماده مزبور بقرار ذیل مجدداً قرائت شد

ماده ۴ وزیرمالیه‌دراول‌هر سنه‌مالیه‌صورت‌محاسبات کل

سنه ماضیه را تهیه نموده و منتهی تا چهارماه از سال گذشته بمجلس شورای ملی و دیوان محاسبات تقدیم‌می نماید این حساب که مبنای اصلی لایحه قانونی تفریغ بودجه خواهد شد باید شامل تمام عملیات راجعه بوصول‌ومصرف وجوه دولتی‌وحاکی ازکیفیت امور عایدات‌ومخارج ازاول سال‌تا آخر سال بوده باشد مستند این حساب مواد مشروحه ذیل است .

اولا حساب مالیات وعایدات عمومی - این حساب بترتیب سال ودوره عمل واقسام عایدات‌باید فقرات ذیل‌را حاوی باشد (۱) حقوق تحقیقی‌دولت (ب) وجوهیکه از این بابت وصول شده است) ج - بقیه وجوهیکه باید وصول شود ثانیاً حساب مخارج عمومی - این حساب باید به نسبت سال و ودوره عمل ووزارت خانه و فصول و مواد مراتب ذیل را تعیین کنند (۱) حقوق ثابته دائمین دولت که در ازای خدمات انجام یافته عرض‌سال است(ب) وجوهیکه از بابت این حقوق پرداخته شده است (ج) تقمه مخارجی‌که بایدپرداخته شود (ثالثاًحساب خزانه — این حساب باید مسائل ذیل را متضمن باشد (۱) وجوهی که مابین محاسبین و تحویلداران دولت رد وبدل میشود (ب) صدور استرداد تمسکات خزانه‌که بوعده است. مستند این حساب صورت‌مطالبات ودیوان اداره مالیه وصورت قروض جاریه دولت خواهد بود (رابعاً حساب‌بودجه ها) این حساب‌عبارت است‌از یك صورتیکه کیفیت قطعی وتحقیقی‌دوره محمل منفضیه و کیفیت تقریبی و دوره عمل‌جاریه درآن‌مصرح باشد دراین‌حساب باید ازیکطرف درجزء بودجه‌عایدات میان‌عایدات تخمینی وحقوق تحقیقی دولت با وجوهیکه از این بابت وصول شده است‌از طرف‌دیگر درجزءبودجه مخارج میان اعتبارات وحقوق‌تحقیقی دائنین‌دولت با وجوهی که بموجب حواله و ابلاغ وزراء پردخته شده‌است مقایسه‌بعمل آید .

رئیس — رأی میگیریم کسانیکه‌بامادهٔ ٤ بطریقی‌که خوانده شده موافقند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و تصویب شد)

ماده ٤٧ وزیر قرائت شد کمیسیون اینطور پیشنهادکرده بود (ماده ٤٦ وزیر مالیه صورت حسابی‌که جامع‌فقرات ذیل‌باشد همه ساله تهیه‌نموده طبع و نشر میسازد (۱) صورت تمام اموال غیر منقوله دولت که مخصوص یك اداره دولتی یا تأسیسات یا مستحدثات عمومی است [ب] صورت تمام اموال غیر منقوله دولتی که مخصوص یك‌اداره دولتی یا تأسیسات‌عمومی نیست (ج)شرح‌تغیراتی که در عوض سال‌در املاك‌سابق الذکر بهم میرسد (د) صورت‌امتیازاتیکه‌در عرض سال بموجب‌قانون داده‌شده‌است [ه]صورت‌مستمریات‌تقاعدی‌که‌تازه بر قرارومسجل شده است .

حاج‌سیدابراهیم - اینجااین عبارتی‌که نوشته شده است که صورت حسابی‌که جامع‌فقرات ذیل باشداین غلط است‌صورت املاك رادادن‌این‌جا حساب نیست پس باید نوشته شود صورتیکه جامع فقرات ذیل است یکی دیگر آنفقره چهارمیش‌که مینویسد(صورت‌امتیازاینکه‌درعرض‌سال‌بموجب‌قانون داده‌شده‌است‌درواقع‌امتیازات‌آنچه‌که راجع‌است‌به‌مالیه حقوق‌امتیازات دولت است‌وزارت‌فوائدعامه‌باید این صورت حساب‌را داشته باشد واگرلازم باشد اوباید بمجلس بدهد واین‌ابداً ربطی بوزارت مالیه ندارد وربطی بحقوق هم ندارد یکی هم اینجا می‌نویسد (صورت‌امتیازاتیکه درعرض سال بموجب قانون‌داده شده است) آن امتیازات باید بتوسط فوائد عامه داره شود وصورت‌خود امتیازات را ازوزارت فوائد عامه باید بخواهند.

فهیم‌الملك- این دوقسمت آخرش که‌یکی صورت امتیازات یکی هم صورت مستمریات‌تقاعدی که تازه بر قرار ومسجل شده است تصور میکنم که این زیادی است .

آقامیرزاابراهیم‌قمی — یکی از این تاسیسات یامستحدثات زیادی است .

حاج‌وکیل‌الرعایا- آقای مخبر که این‌را طبع کرده اند تصور کرده اند که‌این بودجه‌مالیاتی نیست این قانون مملکتی است وزارت فوائد عامه لازم است که‌در تحت آن بودجه باشدومتابعت کند وصورت امتیازات رابدهدودراینجا چیززیادی‌نیست که نباید باشدباید باشد

حاج‌سید ابراهیم آقای حاج‌وکیل‌الرعایا میفرمایند اینرا معین نکردند که صورت امتیازات باید درتحت بودجه باشد یامحاسبات معلوم است که محاسبات درتحت متابعت‌بودجه مملکتی خواهدبود نه اینکه رئیس الوزراء با هیئت دولت بایستی وقتیکه وزیرمالیه رامسئول قرار میدهند شرط کنند که اوامتیازات را هم بدهد صورت امتیازات هیچ ربطی ندارد باینکه او خودش باشدخواهش‌میکنم از آقای حاج‌وکیل‌الرعایا که اشکال نفرمایند وخود آقای مخبرهم‌تصدیق کردند که‌این‌صورت امتیازات آنجا زیادی‌است .

حاج وکیل الرعایا— بنده تصور میکنم که این‌اسم امتیازات زیادی نیست و باز هم عرض میکنم‌که وزارت مالیه‌بایدازتمام وزارت‌خانه‌بودجه رابگیرد ونظریات خودشرا بکند.

فهیم‌الملك— معین است کلیه اموال غیر منقوله دولت دردست یکی ازاین ادارات‌است‌فرض بفرمائید مریض‌خانه مال دولت است ملکش‌هم مال دولت است تلگراف خانه یا مدرسه که ملك دولت است‌اگرملك دولت‌است که‌راجع بتلگراف‌خانه‌است اگر نیست که نیست .

حاج‌وکیل‌الرعایا—وزیر مالیه که بودجه را بمجلس میآورد اول از تمام وزارت خانها جمع میشو دروزارت مالیه وزارت‌مالیه‌هم‌توضیحات‌خودش را میدهد و بعد از وزارت مالیه میآید به مجلس لکن بودجه عبارتست از بودجه های تمام وزارت خانها وادارات دولت نه‌بودجه وزارت مالیه وگمان میکنم که امتیازات یك لفظ زیادی نیست بجهت اینکه ممکن است دوره تقنینیه دوره تازه باشد و آن وکلای تازه یك اطلاع تازه نداشته باشند و بوکلای آینده ازآنجااطلاعات صحیحه متوجه‌باشد ومیداندکه برای نفع خودشان چطورکار بکنند و این یك‌چیز زائدی نیست که حذف‌شود ولازم‌است که‌ما آنرا در اینجا بگذاریم .

آقامیرزااحمد- توضیحی که آقای مخبر دادند راجع به‌تأسیسات‌و مستحدثات لازم بتأسیسات نیست یکی‌از اینها زیادی‌است

فهیم‌الملك -نظر باین بوده که یکی‌ازآنها درپیش بوده و یکی تازه احداث میشود حالا اگر تأسیسات شامل هردو می‌شود یکی‌از این دوحذف شود [گفتند بازهم یکی‌است]

مؤیمن الملك- بنده گمان میکنم که اینجا لفظ تأسیسات ومستحدثات هر دو باشد مثلا دولت یك اداره دائرمیکند در کنار دریا بجهت اینکه کشتیهائیکه غرق میشود یابخاك می نشینند آنها دربیاورد آن‌تأسیسات است امایك پلی‌را که درست میکنندآنرا گویا تأسیس نتوان گفت آنرامیگویند متحدث ومسئله مستمریات راهم آقای مخبر گفتند از اینجا باید حذف شود چنانچه صورت امتیازات در قانون محاسبات خواهد آمد چون باید برود بدیوان محاسبات که‌درآنجا بامضاء وتصحیح‌دیوان محاسبات برسدو آنرا دیوان محاسبات درآخرسال بمجلس خواهد داده.

رئیس — این‌دو فقره حذف‌میشود

آقامیرزااحمد -تأسیسات راجع به‌بنااست وهردو راشامل است‌ماده مزبوره پس‌ازاصلاح‌مجدداً قرائت شدباین مضمون.

ماده ٤٦ وزیر مالیه صورت حسابی که جامع فقرات ذیل‌باشد همه‌ساله طبع ونشر میسازد (۱) صورت تمام اموال غیر منقوله دولت‌که مخصوص یك اداره‌دولتی یاتأسیسات عمومی است(ب)صورت اموال‌غیر منقوله دولتی که مخصوص یك‌اداره‌دولتی یاتأسیسات عمومی نیست(ج) شرح‌تغیراتیکه‌درعرض سال در املاك سابق‌الذکر بهم میرسد

رئیس — رأی میگیریم کسانیکه با ماده ٤٦ بطوریکه‌اصلاح وقرائت‌شد موافقند قیام‌نمایند (اغلب قیام نمودند وبا کثریت تصویب شد) ماده ٤٨ پیشنهادوزیر قرائت‌شد کمیسیون‌اینطورپیشنهاد کرده بود ماده ٤٧ صورت کلیه اموال غیر منقوله دولتی همه ساله طبع‌ونشر وبه مجلس شورای ملی پیشنهاد میشود.

حاج‌سید ابراهیم - گویاباید صورت کلیه اموال چه‌منقوله وچه غیر منقوله باشد چنانچه پیش از این‌ذکر شد که صورت اموال منقوله همه ساله بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود نمیدانم جهتش چیست که دراموال منقوله همینقدر می‌نویسدبمجلس شورای ملی پیشنهاد میکند و در این ماده مقید میکندکه همه‌ساله طبع و نشر و بمجلس پیشنهاد میشود در آنجا با اینکه تفسیرانش خیلی میشود که بایدمجلس شورا ملتفت باشد قید نکرده‌واینجا قید کرده است‌پس خوب است مطابق لایحه وزیر نوشته شود که (صورت کلیه اموال متعلق بدولت همه ساله پیشنهادمجلس خواهدشد) یااینکه‌منقوله

www.iran-archive.com

را اگر نوشته غیر منقوله را هم بنویسد که بمجلس شورای ملی پیشنهاد کند

دکتر علیخان — میخواستم عرض کنم در اینجا لفظ پیش نهاد معنی ندارد تقدیم میشود بنویسند .

فهیم الملک - هردوصورت باید بمجلس داده شود آن راجع به منقوله بود واین راجع بغیرمنقوله است حالا اگر آنجا قیدشود ضرری ندارد

آقامحمد بروجردی — این مخالف میشود بامادہ بالائی بجهت اینکه اموال منقوله رادربالا معین کرد ودراینجا منقوله وغیرمنقوله که آمدباآن مخالفت پیدا میکند .

فهیم الملک - یك مسئله که ذکر نمیشودودر آنجاذکر شده بود مخالفت ندارد آنجاذکر نشده بود اینجا ذکر میشود .

رئیس — رای میگیریم بمادہ ٤٧ بطریقیکه خوانده شد کسانیکه موافقت دارند قیام نمایند [نتیجه رأی مشکوك شد و ماده ثالثاً قرائت شد] .

موتمن الملک - اینطور که می نویسدمنقوله وغیر منقوله نمی فهماند که باید بترتیب فوق بنویسد پس خوب است اینطور بنویسد .

ماده ٤٧ صورت مذکور درماده فوق بضمیمه صورت اموال منقوله دولتی همه ساله طبع ونشر شده بمجلس تقدیم میشود .

دکتر علیخان — بنده بنظرم می آید کهسهل تر باشد که اینراهم بشکل توضیح جزءماده قبل کنند اینطور بهتر است .

حاج سیدابراهیم - بندههم خواستم بهمین طور عرض کنم چون آنجا نوشته شده بود که بشکل تحریرات اینجاهم خوب است همینطور نوشته شود (رابعاً ماده مزبوره پس از اصلاح اینطور قرائت شد) ماده ٤٧ صورت مذکور در ماده قبل بضمیمه صورت کلیه اموال منقوله دولتی همه ساله بعد ازطبع ونشر بمجلس شورای ملی پیشنهادمیشود .

رئیس — رای میگیریم کسانیکه بامادہ ٤٧ بطریقیکه خوانده شد موافقت دارندقیام نمایند (اغلب قیام نمودند و باکثریت تصویب شد)

ماده ٤٩ وزیر قرائت شد کمیسیون بطورذیل پیشنهاد کرده بودرسیدگی وتفتیش اداری حسابهای وزارتخانه‌ها — «ماده ٤٨ حسابهائی که از طرف وزراء طبع ونشر میشود باحسابهای کل مالیه مقابله وتفتیش خواهدشد»

حاجی سیدابراهیم — اینجا بعضی ازاین مواد قانون بامواد قانون دیوان محاسبات که بعد میآید سند عمل است یعنی بعضی مطالبش مربوط بآن است وبعضی مطالب آن مربوط باین درشور اول دیوان محاسبات ماده ۳ وزیر و ۲٦ راپورت کمیسیون اینوظیفه راکه در این ماده دویم ذکر شده است راجع بدیوان محاسبات کرده است بجهت اینکه این ماده میگوید که درآخر هردورهٔ عمل حسابهای وزارتخانها را باحسابهای کل مالیه - وزیر مالیه تصدیق مینماید ودر شور اول محاسبات عمومی وهمچنین در کمیسیون اینرا راجع کرده است بتفتیش درموادیکه بعد میآید اگرچه دراین ماده ذکر نکرده است که کسی تفتیش میکند ولی درماده بعد معلوم میشود که مقصودش از مفتش آن کمیسیون ۱۲ نفری است که از مجلس و دیوان محاسبات تشکیل میشود رسیدگی میکنند و درشور ثانی دیوان محاسبات که صورتش طبع شده نوشته است اینماده را ازقانون دیوان محاسبات حذف کردیم واین راجع بمحاسبات عمومی است بواسطه اینکه در محاسبات عمومی اینرا وظیفه کمیسیون قرار داده است ونوشته است که ماهنوز رأی باین ماده نداده ایم تاراجع بدیوان محاسبات بکنیم راجع بکمیسیونی که اینجا نوشته شده است درقانون دیوان محاسبات که بآن رأی دادیم اینرا راجع بقانون محاسبات عمومی قرار داده است وموافق اینماده که حالا خواندیم اینرا وظیفه وزارت مالیه قرار داده است درشور اول هم گویا اینمطلب درنظر نبود باپیشنهاد وزیر وپیشنهاد کمیسیون راجع کرده است این تفتیش وزارت خانها را بکمیسیون ۱۲ نفری حالا که ما رأی دراین ندادیم میتوانیم بگوئیم مطلب راجع بوظیفه دیوان محاسبات است ولی اگر اینجا رأی دادیم ناچاریم که اینرا از دیوان محاسبات حذف کنیم برای اینکه نمیشود که در قانون متناقض بنویسیم آنجا وظیفه دیوان محاسبات و اینجا وظیفهٔ کمیسیونی که از طرف مجلس و دیوان محاسبات معین میشود واگر نظریاتی داشته باشیم در مطابقه این قوانین باهمدیگر یعنی هرقانونی که مینویسیم ملاحظهٔ بعدرا بکنیم ودچار اشکالات نشویم پس پیش ازرأی دادن بنده عرض میکنم که خوب است نمایندگان ملاحظه کنند که آیا وظیفه دیوان محاسبات است این تفتیش چنانچه درشور اول قانون دیوان محاسبات گذشت یاوظیفهٔ کمیسیون است چنانچه دراینجامذاکره میکنیم ولی بعقیده بنده باید آن دو مادهرا که در دیوان محاسبات نوشته است حذف واسقاط کنیم .

فهیم الملک — اولا آنچه راجع بدیوان محاسبات طبع شده است رایورت کمیسیون نیست و حالا در کمیسیون مطرح مذاکره است آن پیشنهاد کمیسیون وپیشنهاد وزیر مطابقه بشود تاوقتی شده رایرت صحیح داده شوددیگر اینکه رایرت کمیسیون باید آقای حاج سید ابراهیم اینجا تشریف دارند اگرماهم فراموش کردیم ممکن است مارا متذکر کنند که اینماده متناقض ومخالف آنماده نوشته شده است وثانیاً این رسیدگی وتفتیش بحسابهای وزراء باید بامجلس باشد نه با دیوان محاسبات فقط وزراء مسئول مجلس هستند نمی توان آنها را مسئول دیوان محاسبات کرد ودیوان محاسبات فقط حقی که دارد اینست که حسابهائی راکه درآخر سال طبع ونشر میکنند آنها را رسیدگی میکنند و تفتیش وزارت خانه‌ها باید که بامجلس باشد این تفتیش که راجع بمحاسبات کل وزارت مالیه است آن باکمیسیون مجلس است بجهت اینکه باید هیئتی مفتش باشد که حق سؤال واستیضاح از وزراء داشته باشد که آن هیئت رسیدگی کند بحسابهای آنها اینست که رایرتی که در کمیسیون نوشته شده است منافاتی ندارد بااینکه ما درقانون دیوان محاسبات اینطور نوشتیم وقتی که آمد بمجلس آنرا باین مطابقه میکنیم .

حاجی سیدابراهیم — بنده تصدیق ندارم اول یکچیزی بنویسیم بعدشرح وتوضیح بکنیم ما باید نظر بقانون اساسی بکنیم که تفکیك تمام محاسبات دولتی را راجع بدیوان محاسبات کرده اند ما اینجا بیائیم ایجاد کمیسیونی بکنیم وآن حقی را از دیوان محاسبات سلب کنیم بعداگر پیشنهادی ناچار شویم تطبیق بااین کنیم خیر بنده عرض میکنم که اینماده را اینجا ننویسیم موافق آن تکلیفی که کردیم واینمطلب را راجع بدیوان محاسبات موافق آن ترتیبی که در قانون اساسی برای دیوان محاسبات معین شده است دراینصورت لازم نمی شود که ما در اینجا بنویسیم که حسابهائی که از طرف وزراء طبع ونشر میشود با حسابهای کل مالیه مقابله و تفتیش خواهد شد اینکار بادیوان محاسبات است یعنی بدیوان محاسبات میرود بعداز نظریات وتدقیقات او آنطوری که درماده است نظریات میکند در صورت صحت تصدیق در مجلس پیشنهاد میکند بعداگر بخواهیم که اینرا تطبیق کنیم دچار اشکالات خواهیم شد وناچار میشویم که بگوئیم شور اول هم بیخود بوده است در کمیسیون مذاکرات در آن شده وطبع ونشر خواهند کرد حالا نمی دانم چاپ کرده اند یاخیر .

فهیم الملک — از آنکه محاسبات وزراء مقابله بامحاسبات کل مالیه بشود بتوسط این کمیسیون چطور میشود گفت که نوشته است درقانون اساسی که تفکیك کلیه محاسبات دولتی راجع بدیوان محاسبات کرده است این مسئله مسلم است و تصدیق میکنیم ربطی باین حساب وزراء دورهٔ وعمل ندارد آنموقعی که بدیوان محاسبات باید داد، شود خواهد شد این مسئله غیراز آن است ربطی بآن مسئله که برای دیوان محاسبات نوشته شده است ندارد .

آقاشیخ ابراهیم زنجانی — اینمسئله را آن دفعه هم بنده اشکال کردم ولی بنظر بنده گویا این لازم است بجهت اینکه یك وقتی یك اشتباهی می شود دردیوان محاسبات تمام حسابهارا باید بکشند صورت هم ندارد مجلس چطوراطلاع پیدا کنند دیگر صحیح یا غلط واقع شده تمام مجلس نمیتواند رسیدگی نماید باید بواسطه همان رجوع باشد پس منافاتی ندارد که اول دیوان محاسبات رسیدگی بکند بعد بدهد بمجلس نمیتواند مجلس عموماً رفع اشتباه کند باید بواسطه این کمیسیون رفع اشتباه کند .

افتخار الواعظین — آقای حاج سیدابراهیم میخواهد بقدری اهمیت بدیوان محاسبات بدهد که دیوان محاسبات را مقابل بامجلس شورای ملی کند- دیوان محاسبات یك شعبه ازمجلس شورایملی است اول دیوان محاسبات رسیدگی میکند پس از مقابله و مطابقه آنجا البته برای تفتیش خواهد آمد بمجلس شورایملی که رد یا تصویب شود .

حاجی سیدابراهیم — بنده نامقصودم اینست که دیوان محاسبات اینقدر مستقل شود که مستغنی از مجلس بشود این عرض را نمودم برای اینکه موافق پیشنهاد وزیر مااین عبارت راخوانده ایم و در شور تصدیق کردیم همین ماده را و تفتیش و رسیدگی محاسبات کل مالیه را بعهده دیوان محاسبات گذاشتیم حالا بعهده کمیسیون وا میگذاریم بنده اصرار ندارم اینطورش هم بکنید مطلبی است ولی میبایست نمایندگان مسبوق باشند که این شکل رأی دادند لابد اینماده را

که در شور اول و در اینجا گذشته و رأی دادند باید حکماً حذف کنند و بنده بیش از این حرفی ندارم.

مؤتمن‌الملک — این ایراد را بنده خودم در شور اول قانون محاسبات عمومی کردم ولی در کمیسیون اینرا اصلاح کردیم اینجا دو فقره مطلب است که باید اصلاح شود یکی حسابهاست که وزراء بمجلس میدهند مجلس باید ببیند که آن حسابها با آن چیزیکه در دفاتر خودشان در وزارتخانه هاست مطابق است یا خیر یك کمیسیونی معین میکند بروند تطبیق کنند ببینند مطابق است یا مطابق نیست کار دیوان محاسبات چیز دیگر است دیوان محاسبات از روی اسنادیکه تحویلداران و محاسبین بدیوان کیفر میفرستند از روی آنها رسیدگی میکنند بحساب وزراء آنهم یك ترتیب علیحده است مثلا مجلس بیك وزیری صدهزار تومان اعتبار داده است آن وزیر عوض صدهزار تومان صد و دوهزار تومان گرفته در وقتی صورت حساب را میدهند این معلوم خواهد شد یعنی مقایسه میکنند این صورت حساب وزیر را با صورت حسابیکه در دفتر معلوم شده است حالا ممکن است وزیر آن دوهزار تومان را در دفتر خودش بنویسد همینطور حواله بدهد ودفتر مالیه هم آن دورا ثبت کند که بروند مثلا از فارس آنرا دوهزار تومان را بگیرند این از عهده کمیسیون خارج است وقتیکه از طرف تحویلداران مملکت تمام اسنادشان را فرستادند بدیوان محاسبات و دیوان محاسبات رسیدگی کرد از روی سندیکه تحویلدار فارس فرستاده است معلوم میشود فلان وزیر از حدود اعتبار خودش در بودجه کل که مجلس معین کرده بود تجاوز کرده است ویس معلوم میشود این کمیسیون لازم است هیچ ربطی بدیوان محاسبات ندارد دیوان محاسبات رسیدگی میکند بحساب وزراء واز روی اسناد معلوم میکند و می بیند که حسابهائیکه داده اند از روی حقیقت است یا خیر؟ و کمیسیون رسیدگی میکند بحساب وزراء ومقایسه میکند با دفاتر تحویلداران که ببیند که همانطوری در دفاتر خودشان است واقعیت دارد و همانطور است یا نیست این کلی ربطی باآن ندارد.

حاجی عزالممالك — اگر آقای حاجی سید ابراهیم دقت در همین قانون کرده باشند این اشتباه رفع میشود بجهة اینکه درهمین ماده (۴۸) مینویسد - حسابهائی که از طرف وزراء طبع و نشر میشود با حسابهای کل مالیه مقابله وتفتیش خواهد شد - بعد آن حدودی که آن کمیسیونی دارد ومعین کرده است آن قانون دیوان محاسبات را هم که بعد بنویسم اساسش همینطور است که در کمیسیون هیچ مربوط بهم نیست وچون این اساس قانون دیوان محاسبات هم همین است اگر آنجا ماده باشد که برخلاف این باشد تا رفع کنیم و دچار اشکال نخواهیم شد.

آقا شیخ غلامحسین — بنده تصور میکنم که ماده (۵۰) و (۵۱) رفع اعتراض آقای حاج سید ابراهیم را میکند.

حاجی سید ابراهیم — آقای مؤتمن‌الملك فرمودند حسابهای وزراء یعنی حسابهای شعبات‌شان را با وزارتخانه ها اینها را دیوان محاسبات رسیدگی میکند وحال اینکه اگر ماده بعدش را رسیدگی کنیم دیگر لازم باین شرح نیست چرا بجهة اینکه از آنجا معلوم میشود که محاسبات وزراء را با محاسبات کل تفتیش وتطبیق میکنیم بعد هم همان عبارت را ثانیاً که مطابقه نمودند با دخل و خرجی که وزراء طبع کرده‌اند یا حسابهای دفاتر وزارتخانه‌ها و رسیدگی را در این ماده ارجاع کرده‌ایم بکمیسیون و البته دیوان محاسبات بیکار نمی‌ماند لابد یك چیزی برایش باقی میماند مقصود بنده این بود که در اینجا تصریح شد که مقابله خواهد شد یعنی باید تصویب شود که کمیسیون تفتیش بکند و ثانیاً اینکه حدودی که برای کمیسیون معین می کنیم در ماده بعد در مقابله حساب وزراء جزء بجزء خواهد آمد تمام را باید کمیسیون رسیدگی کند حالا مختارند عقیده بنده اینست که کار دیوان محاسبات راهم چندان نباید کم کرد.

فهیم‌الملك - مذاکراتی که میشود تمام راجع بماده بوده است ما هنوز داخل آن نشدیم بجهت اینکه حساب کل مالیه یك خلاصه است از همان حسابی که وزراء طبع ونشر کرده‌اند وهمان حسابها صحیح است ودر وزارت مالیه هم همانطور نگاهداشته اند که وزارت مالیه رسیدگی کند حالا در تکالیف کمیسیون وتفتیش باید معلوم شود.

آقا میرزا ابراهیم قمی - اینجا میگوید حسابهائی که ازطرف وزراء طبع و نشر میشود با حسابهای کل مالیه مقابله و تفتیش خواهد شد دیگر نمی گوید کی تفتیش خواهد کرد و باید بنویسد کمیسیون دوازده نفری تفتیش خواهد کرد یا اینکه اصلا جزء آن ماده میشود

رئیس - رای میگیریم کسانی که با ماده ۴۸ بطوری که کمیسیون تصویب کرده است موافقت دارند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و باکثریت تصویب شد).

[ماده ۵۰ لایحه وزیر قرائت شد که کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود (ماده ۴۹) وزیر مالیه در آخر هر سال باید تشکیل یك کمیسیون دوازده نفری مرکب از اعضاء مجلس و دیوان محاسبات از حضور همایونی استدعا نماید تکلیف کمیسیون مزبور بقرار ذیل است:

تعیین وختم نمودن روزنامه ودفتر کل وزارت مالیه در آخر سال.

[ثانیاً] مطابقه نمودن حساب های دخل و خرجی که وزراء طبع کرده اند و دفتر محاسبات مرکزی هریك از وزارتخانه ها.

[ثالثاً] مطابقه کردن صورت محاسبات کل مالیه با دفتر کل وزارت مالیه.

[رابعاً] رسیدگی بدفتر کل محاسبات بوسایلی که در دست است از قبیل مقابله دفاتر مزبور با روزنامه وسایر دفاتر اداره محاسبات کل و یا نتیجه حساب محاسبین جزء.

خامساً نوشتن صورت مجلسی که حاکی کیفیت امر بوده وباید طبع وبوزارت مالیه ومجلس شورای ملی داده شود.

حاج وکیل الرعایا - گمان می کنم نویسنده این ماده ۴۹ یك مقصود دیگر را درنظر داشته باشد که آقای حاج سید ابراهیم ایراد را که کردند اگر ملاحظه بفرمایند آن ایراد را رد مینمایند دیوان محاسبات هر دقتی را که میکند آن دقت برمیگردد برای یك اطمینانی که مجلس شورای ملی میخواهد اما یکنفر دیگری هم هست که او هم لازم است یکقدری از اوضاع مملکت باخبر باشد و آن شخص پادشاه است شخص پادشاه هم البته باید قدری مطلع باشد که تا اینکه در موقع انتخاب رئیس الوزراء بتواند از روی دانستن رأی بدهد حالا بچه وسیله وچه ترتیب باید اطلاع داشته باشد این ماده اشاره بآن آنست که وزیر مالیه باید در آخر هر سنهٔ مالیه تشکیل یك کمیسیون ۱۲ نفری را مرکب از اعضاء مجلسین از حضور همایونی استدعا واز این راه اورسیدگی کند واطلاع حاصل نماید وبرای او هم یك اطمینانی حاصل شود از اینکه امورات امسال مملکت از روی یك حسن اداره ومحاسبات آن بموجب بودجه مرتب گذشته است وآنچه بنده تصور میکنم اگر در این ماده تأمل شود اشکالات آقای حاجی سید ابراهیم تا اندازهٔ باقی نمی‌ماند ورفع میشود وهمه وقت باید در نظر داشت که شخص پادشاه هم یکی از اشخاص مملکت است که صاحب حق است وتا اندازه از اوضاع مملکت باید اطلاع داشته باشد.

بهجت - اینکه اینجا نوشته شده است تشکیل کمیسیونی که از مجلس میخواستم مستفسر بشوم که بچه ملاحظه است نظارت در امور دولتی البته مختص است بمجلس این بدیهی است وحالا عرضی نمیکنم نظرم باین نیست که صلاح چیست لکن حالا میخواهم یاد آوری کنم که ما در موقع وضع قوانین جزء باید همیشه ملتفت باشیم واینکه بعضی از اعضاء این کمیسیون از مجلس سنا انتخاب شوند عیبی بحسب ظاهر ندارد الا اینکه یکقدری بی تناسب میشود برای اینکه نظارت در امر مالیه دولت چنانچه عرض شد مخصوص شورای ملی است واما اینکه اسم دیوان محاسبات را در اینجا می آوریم صحیح است برای اینکه دیوان محاسبات در معنی یك اداره ایست که در تحت نظر مجلس شورای ملی تاسیس میشود و یك سمت اختصاصی بان دارد ولی اسم سنا را در آنجا آوردن بنده بهیچوجه مناسب نمی‌دانم بواسطه اینکه تفتیش و نظارت از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است و دیوان محاسبات هم تأسیس میشود در تحت نظارت مجلس شورای ملی [پیشنهاد آقا سید حسین اردبیلی بعبارت ذیل قرائت شد.]

چون تفتیش ومواظبت در امور مالیه از خصایص مجلس شورای ملی است لهذا بنده پیشنهاد میکنم که عوض «مجلسین» در ماده ۴۹ فقط مجلس شورای ملی نوشته شود.

حاج عزالممالك — یك قسمتی از تکالیف این کمیسیون فراموش شده است وبنده در کمیسیون مذاکره کردم ودر اینجا هم یادآوری می‌نمایم وآن تطبیق حساب وزارت خانه‌هاست با دفتر حساب کل وزارت مالیه و یکی رسیدگی بحساب خود وزارت خانه‌هاست بادفتر مخصوص خودش ودر آنجا مطابقه نمودن حساب های وزارتخانها را با دفتر مرکزی خودش نوشته است اما تطبیق آنها را بادفتر کل وزارت مالیه قید نکرده باید نوشته شود.

حاج سید ابراهیم - اینکه از حضور همایونی استدعا می‌نماید زیادی است همین طور نوشته شود که تشکیل یك کمیسیون ۱۲ نفری را از اعضاء مجلس

شورای ملی ودیوان محاسبات تقاضا میکند کافی است دیگر اینکه در ماده ٤٨ این قانون نوشته شده است حساب هائی که از طرف وزراء طبع و نشر میشود باحساب های کل مالیه مقابله وتفتیش خواهد شد دیگر ذکر نکرده است که کی این مقابله و تفتیش را خواهد کرد ولی ازاین ماده همچومعلوم می‌شود که این کار بااین کمیسیون ۱۲ نفری است درحالی که درشور اولی که درقانون دیوان محاسبات شد والان آنرا بنده اینجادردست دارم نوشته شده است که این کار ازوظیفه دیوان محاسبات است و چون درآن ماده ذکر شده است اگر دراینجا هم نوشته شود باآنماده ضدیت خواهد کرد حالا اگر چنانچه اینکار راجع باین کمیسیون است و واقعاً ازوظایف اوست خوب است دراینجا یادداشت‌شود که درقانون دیوان محاسبات اشاره شود باینکه مذاکرات مطابق وظایف این کمیسیون است .

آقامیرزااحمد — بنده می‌خواهم اولا راجع باین‌مطلب از قانون اساسی بخوانم «اصل ۱۸» تسویه‌امورمالیه جرح وتعدیل بودجه تغییردر وضع مالیات‌ها ردوقبول درعوض وفروعات هم‌چنان ممیزی‌های‌جدیده که ازطرف دولت اقدام خواهدشد بتصویب مجلس شورای ملی‌خواهدبود» بموجب این اصل تسویه امورمالیه وتفتیش درآن از هرجهة و هربابت باشد راجع بمجلس است .

معین‌الرعایا - بنده‌هم موافقم باآن‌پیشنهاد ویکی هم می‌خواستم عرض کنم که این دوازده نفر که اعضاء این کمیسیون هستند خوبست معین شود که چند نفر از مجلس و چند نفر از دیوان محاسبات خواهد بود مثلا هشت‌نفر ازمجلس‌وچهار نفر از دیوان محاسبات یا قسم دیگر هر طوری هست معین شود .

مؤتمن‌الملك — من معنی‌این پیشنهادرا ملتفت‌نمیشوم برای این که‌معین است که وضع‌مالیات ونظارت و تفتیش درامور مالیه از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است‌وبغیراز مجلس شورای‌ملی کس دیگر نمی‌تواند وضع مالیات کند و اینکه ازدیوان محاسبات باید برای این کمیسیون انتخاب بشود برای اینست که دیوان محاسبات از طرف مجلس شورای ملی تاسیس وانتخاب می‌شود ولی این‌دلیل این نمیشود که از مجلس سناهم یك عده برای‌آن انتخاب بشود برای اینکه نظارت درامور مالیه صحیح است و ربطی بمجلس سنا ندارد ولی مجلس سنا نظریات خودش را می‌تواند اظهار کند چنانکه یکی از اصل های قانون اساسی که حالا درست در نظرم نیست که کدام است می‌نویسد هر قانونی که درمجلس وضع میشود می‌رودبمجلس‌سنا نظرات خود را در آن اظهار میکند ولی مجلس شورای ملی مجبورنیست که اظهارات ورای مجلس سنارا قبول کند حالا این کمیسیون هم می‌رود کار وتفتیش‌خودرا میکندورایرت‌آنرا بمجلس‌شورای‌ملی می‌دهد واین قانون راازروی قانون‌فرانسه نوشته‌اند ودر آنجا هم‌وضع مالیات اختصاص بمجلس‌شورای ملی دارد باوجود این این ماده را خودشان منافی ندانسته‌اند بااختصاص‌وضع مالیات‌بمجلس‌شورای‌ملی

حاج‌شیخ‌اسدالله - بنده هم موافقم باهمین فرمایشات آقای مؤتمن‌الملك ویك نکته دیگری‌را هم لازم است عرض کنم وآن اینست که‌فیدشود که اعضاء این کمیسیون ازمجلس سناومجلس شورای ملی‌و دیوان محاسبات بالسویه انتخاب شود .

حاج‌وکیل‌الرعایا — بنده جدی ندارم که این ماده‌قبول‌شودولی نظریاتی که دارم لازم‌میدانم عرض کنم آنوقت‌آقایان‌یارد میکنند یاقبول‌مینمایند عرض میکنم مجلس شورای ملی وکلای ملتند اما مجلس سنا سی‌نفرش‌بموجب قانون اساسی ازطرف دولت انتخاب میشود ووکلای دولتند وفقط سی‌نفر دیگرش‌ازطرف ملت انتخاب‌میشود ولی‌مانمایندگان چون بقرآن قسم خورده‌ایم که بخصوص حقوق شخصی پادشاه راحفظ کنیم باین ترتیبی که‌اینجا نوشته شده اگر بالاخره بهمین رای گرفته شود که مادخالت مجلس‌سنا رالازم ندانیم واطلاع همایونی وتقاضایش رالازم ندانیم تصورمیکنم که‌بنده یکی ازآن‌اشخاصی‌باشم که نتوانم‌بآن‌رای بدهیم‌وتصور میکنم که آقایان بایدملتفت باشند که‌ما اینجاوکیل هستیم لکن مجلس‌سنا سی‌نفرش از دولت هستند وهمیشه باید ترازو دوکفه‌داشته باشد یك کفه‌همیشه بالاست .

فهیم‌الملك- راجع باین قسمت که‌تقاضای تشکیل کمیسیون است برای مطابقه محاسبات عرض میکنم که‌این تقاضا را فقط وزارت مالیه نمیکند بلکه هیئت دولت باید این‌خواهش رابکنند ورئیس قوه مجریه وهیئت دولت پادشاه است هیئت‌دولت‌از حضور همایونی درخواست میکند واو تشکیل یك کمیسیون فوق‌العاده رابرای رسیدگی باین کارمی خواهد والا این مطلب یك چیز فوق‌العاده نیست که مابخواهیم برای‌شاه‌معین کنیم‌شاه‌رئیس قوه‌مجریه است واین مطلب حق‌اوست .

سلیمان‌میرزا- آقای مخبر میفرمایند این چیزی که‌در ماده نوشته است چیز فوق‌العاده حق شاه‌است این‌حق‌راقانون‌اساسی که‌بشاه نداده‌است مگر اینکه امروز ماباو بدهیم وپس ازاینکه‌این ماده گذشت‌این‌حق‌راپیدا کندبعضی‌از آقایان گویا آقای حاج‌شیخ‌اسدالله‌بودند که گفتند بایداین ۱۲ نفر چهارنفر ازمجلس‌شورای‌ملی‌وچهارنفرازمجلس‌سناوچهارنفراز دیوان‌محاسبات‌انتخاب شوددرصورتیکه‌این کمیسیون همانطور که‌آقای مؤتمن‌الملك فرمودند راپورت اعمالشان رابه مجلس شورای ملی خواهند دادبنده نمیدانم چه‌فایده‌دارد که‌شش‌نفر یاچهارنفر ازاعضاء این کمیسیون‌ازمجلس سناانتخاب شود اگرمقصود تفتیش ورسیدگی بحساب‌است که‌پس ازآنکه‌مجلس شورای ملی‌رسیدگی وتفتیش کرد محرمانه نخواهد ماند طبع وتوزیع میشود وعموم مطلع خواهندشد وبااین ترتیب‌یك‌عضوی ازمجلس دریك کمیسیونی درصورتیکه‌قانوناً حق‌رای نداشته‌باشد گمان‌میکنم که‌بالمره یك‌کار بی‌فایده است وتصور میکنم که بنص صریح قانون اساسی این‌کار ازوظیفه مختصه‌و منحصره مجلس شورای ملی‌است لاغیر

فهیم‌الملك— تصورمیکنم که‌حضرت والا عرایض بنده رابد تفسیر کردند بنده عرض نکردم تفتیش‌حق‌شاه‌یامجلس سناست‌عرض‌کردم که‌دولت این مخارج راکرده است درآخر هردورهٔ عمل می گوید بیائید حساب مرا برسید رئیس هیئت دولت کیست شاه‌است اوباید بگوید بیائید حساب‌را برسید وزیرمالیه‌برئیس‌الوزراءورئیس‌الوزراء بشاه‌میگوید آنوقت شاه‌تشکیل یك‌چنین کمیسیونی رامیخواهد که‌باین حساب رسیدگی کند درخصوص مجلس‌سنا عرضی‌ندارم که‌یك‌عده‌ازآنها انتخاب بشودیانشود ولی‌این‌عرض‌را که کردم‌برای این‌بود که‌هیئت‌دولت باید برئیس خود که‌شاه است اطلاع بدهد آنوقت شاه‌بخواهد که‌آن هیئتی راکه قانوناً بایدانتخاب شود معین کنید که‌بیایند بحساب ایشان برسندنه اینکه عرض کرده باشم تفتیش حق‌شاه‌است.

منتصرالسلطان- دراینجا ذکرشده که‌هر قانونی که‌از مجلس شورای‌ملی میگذرد و میرود به‌مجلس سناو نظریات ورای آنها در آن‌باب معلوم میشود آنوقت ثانیاًبرمیگردد به‌مجلس بنده‌اینرا تصدیق میکنم ولیکن‌دراصل ۱۸ قانون اساسی‌امور مالیه‌تمام واگذار شده است به مجلس شورای ملی و ابداً مجلس‌سناحق‌دخالت‌و رسیدگی‌وتفتیش‌و امثال آنرا نداردواومثل‌سایرافرادملت‌درخارج‌حق‌دارد که کتابچه را که نوشته‌اند نگاه ورسیدگی کند نه‌اینکه اوهم شریك وسهیم باشددر این حقوق باین معظمی در اینجا گفته‌شد که‌ما قسم خورده‌ایم بقرآن که‌حقوق پادشاه رانگاه بداریم بنده عرض میکنم البته باید حقوق شاه رانگاه بداریم ولی اگر بهمان قرآنی که قسم خورده‌ایم معتقد باشیم باید این‌حق باین معظمی که قانونا به‌مجلس شورای ملی داده شده است ازدست ندهیم وواگذار به‌مجلس سنانکنیم .

آقا محمد — بنده فقط عرضم راجع‌باین عبارت پنجم است که نوشته شده است [خامساً نوشتن صورت مجلس که حاکی کیفیت امربوده و باید طبع و به مجلس شورای ملی‌داده شود] این عبارت اجنبی ازمقصود می‌نماید خوب است اینطور نوشته شود « خامساً نوشتن صورت مجلس این کمیسیون که حاکی کیفیت امربوده‌الی آخرماده» والا این‌عبارت ازمقصود اجنبی است.

آقامیرزا احمد — بنده مکررا عرض‌می کنم که رایورت کمیسیون مخالف (اصل۱۸)قانون اساسی است وهیچ نمیشود درآن رای داد واینکه آقای مؤتمن‌الملك می فرمایند که دیوان محاسبات هم همانطور است پس چطور شد که او حق دارد ومجلس سناحق ندارد وبنده عرض می کنم که‌دیوان محاسبات یك اداره ایست که برحسب قانون در تحت نظارت مجلس تأسیس میشود برای امور بودجه ومحاسبات مملکتی و این هم یك کمیسیونی است که مجلس معین میکند برای رسیدگی بمحاسبات وزراء ودراین صورت حق دارد که یك عده از اعضای آن را از دیوان محاسبات معین نماید ولی مجلس سنابالکل‌خارج است‌ازترتیب‌مالیه وبرحسب قانون هیچ حق‌مداخله ندارد.

بهجت - اولا خواهش میکنم آقایان وقتی که قانونی ازمجلس میگذرد آنقدر نفرمایند که قانون فرانسه‌فلان قسم است‌آنقدر (فناتیك) نیستیم که‌ضدیت‌باقوانین داشته باشیم خود آقایان هم که اطلاع دارندو اظهارات‌اطلاعی میکنند میدانند که

www.iranarchive.com

ماهم آنقدر بی‌اطلاع نیستیم درسایر ممالک هرچه قانون اساسی‌شان حکم کرد همه باید اطاعت کنند خواه شاه باشد خواه آن ادنی تبعه تبعاً ما هم در مقامیکه یك چنین قانونی راوضع می‌نمائیم بایداین ملاحظه را داشته باشیم وبدانیم که یك‌چنین قانونی که از مجلس گذشت باید بموقع اجرا بیاید ونباید هزار گونه عیب واشکال درآن باشد واین یك کلی است که عرض می کنم که باید درکلیه قوانین این نظررا داشته باشیم و خواهش می کنم که در جواب بنده نفرمایند که درفلان جاهم همینطوراست برای اینکه قوانین سایر جاها ربطی بقوانین مملکت ما ندارد چه قانون اساسی وچه قوانین مملکتی‌ومدنی و غیره اما اینکه مذاکره میشود از مخالفت با قانون اساسی بنده عرض نکردم مخالف قانون اساسی است‌عرض کردم مخالف تناسب قانون‌اساسی است که بگوئیم یك عده ازاعضای این‌کمیسیون از مجلس سنا انتخاب شوند و بنابراین که قانون اساسی اختیار امور مالیه راواگذار کرده است به مجلس شورای ملی ومجلس سنا را بالکلیه محروم کرده است وهمچنین دیوان محاسبات را حق داده است که در جمع وخرج حسابهای وزراء رسیدگی کند ممکن است بگوئیم که این کمیسیون‌مرکب باشد از اعضای مجلس و دیوان محاسبات ولی از مجلس سنا که بهیچوجه حق مداخله درامورمالیاتی ندارد بهیچوجه مناسبت ندارد که بگوئیم یك عده برای این کمیسیون انتخاب شود واین مثل اینست که بگوئیم یك عده هم‌خوب‌است از بلدیه انتخاب شود برای اینکه ماقسم خورده‌ایم که حقوق‌پادشاه را حفظ کنیم‌وهیچ فرق‌ندارد یا اینکه بگوئیم پس یکی دونفر هم خوب است‌از انجمن های ایالتی و ولایتی انتخاب شود اینها یك‌چیز بی تناسبی است واین قوانین را که ماداریم وضع‌میکنیم که قوانین جزء وقوانین مدنی وملکی است باید مطابق‌قانون اساسی باشد ومتناسب باشد واین چیزهائی راکه ما مذاکره می کنیم یك چیزهائی است که هیچ تناسب پیدا نمی‌کند باینجهة بنده خواهش میکنم ازآقایان که‌درماهیت مجلس سناوارد نشوند که‌سنا چه‌چیز است‌برای اینکه اگردراین باب‌هامذاکره شودلابد عرایض زیاد است‌و خواهیم گفت و بی جهة وقت مجلس‌تضییع میشودوالا مجلس سنامعلوم است که ۳۰ نفر از اعضایش ازطرف دولتندوسی نفرش ازطرف ملت ودراین‌باب کسی مخالف‌نیست ودر قانون اساسی هم‌متونش مفصلا نوشته شده و درآخر عرض خودم این‌جمله را تکرارمی کنم که انتخاب شدن یك‌عده ازمجلس سنابرای عضویت‌این کمیسیون بهیچوجه مناسبت ندارد ولازم نیست

حاج سیدابراهیم — بنده چون میفرمایند که وزیر مالیه از شاه تشکیل این کمیسیون را درخواست میکند و کمیسیون‌تشکیل میشودعرضی ندارم ولی می‌خواستم عرض کنم چنانچه پیش‌ازاین هم گفته شد این عبارت «خامسا — نوشتن‌صورت مجلس» یك قدری‌بی‌ربط است‌خوب است اینطور نوشته شود که (نوشتن صورت‌مجلس که کمیسیون درآن جلسه تفتیش‌میکند)

متین السلطنه — آن اصلی‌را که آقای مؤتمن الملك فرمودند گویا این اصل باشد که می خوانم اصل ٤٦ پس ازانعقاد سنا تمام اموربایدبه تصویب هردو مجلس باشداگرآن امور درسنایااز طرف هیئت وزراء عنوان شده باید اول در مجلس تنقیح وتصحیح شده باکثریت آراء قبول و بعد بتصویب مجلس شورای‌ملی‌برسد ولی اموریکه در مجلس شورای ملی عنوان میشودبرعکس‌ازاین مجلس بمجلس سناخواهد رفت مگر امور مالیه که مخصوص بمجلس شورای ملی خواهد بود وقرارداد مجلس در امور مذکوره باطلاع مجلس سناخواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظات را بمجلس ملی اظهار نماید و لیکن مجلس ملی مختار است که ملاحظات مجلس سنا رابعد از مداقه لازمه قبول یا رد نماید ملاحظه خواهد فرمود که اینجا میگوید که قرارداد مجلس درامور مذکوره‌باطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظات را بمجلس ملی‌اظهار نماید ولکن مجلس‌ملی‌مختار است که ملاحظات مجلس سنارا بعد از مداقه لازمه قبول‌یارد نماید وحالا بایددانست که دراین‌جاهمین نوعی که گفته شد نمی‌خواهیم یك حقی‌را از مجلس سلب کنیم یا برای مجلس سنا ثابت کنیم بلکه‌برای تسهیل امر می‌خواهیم کاری بکنیم که مشاجره بین مجلس شورای ملی ومجلس سناواقع نشود بهترین تسهیل این است که از خود سناهم یك‌چند نفر در این کمیسیون باشند والانه اینست‌که مقصود سلب کردن حقی‌برای مجلس سناباشد

حاج شیخعلی — بنده در اول موافق بودم با آنهائی که اظهار کردند که این کار از حقوق مجلس شورای ملی است بدون سنا اما حالا یك اصلی را پیدا کردم که سنارا هم قوه میدهد برای استحضار آقایان میخوانم اصل ۳۳ (هریك از مجلسین حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی را دارند تحقیق وتفحص حکم‌که نیست تا اینکه از حقوق مجلس شورایملی باشد و این کمیسیون هم که خواه ازسنا داخل‌آن باشد یانباشد حکم‌که نمیکند فقطرسیدگی وتفحص است بنابر این از سنا هم میشود یك عده در این کمیسیون باشند .

حاج سید ابراهیم — در قانون چیزی را باید نوشت که صحیح باشد اینکه اینجا نوشته است « از حضور همایونی استدعا می نماید یعنی اگر اعلیحضرت همایونی این استدعا راقبول‌ننمود این کمیسیون تشکیل نمیشود .

فهیم‌الملك — نظریات در این ماده مختلف‌شده‌است رجوع کنید بکمیسیون که باملاحظات ثانوی پیشنهاد شود .

رئیس — چون مخبر کمیسیون تقاضا نمود این ماده رجوع میشود بکمیسیون(ماده [۵۱]لایحه وزیر قرائت شدکه کمیسیون این‌طور تصویب کرده بود « ماده ۵۰ » دیوان محاسبات ماموریت‌دارد که در باره محاسبات مخارج وعایدات عمومی کهر ساله محاسبین جزء بدیوان مزبورمیدهند رسیدگی و حکم دهد.)

حاج سید ابراهیم — بنده عرض می کنم این‌قانون محاسبات عمومی‌است نه قانون‌دیوان محاسبات واین‌ماده ۵۰ و۵۱ چون راجع بوظایف دیوان محاسبات است باید درآن قانون نوشته‌شود وهیچ مناسبتی ندارد که ما دراین جا بیائیم تعیین وظیفه دیوان محاسبات رادراین‌جا بکنیم اختصاص باین مواد و این ماده ندارد باید جنبه ماده دیگر هم که راجع بوظایف دیگر دیوان محاسبات باشد در اینجا معین بکنیم پس نوشتن این دو ماده‌در اینجا هیچ مناسبت ندارد وباید در آنجا نوشته‌شود

فهیم‌الملك — این را هم باید ملاحظه فرمائید که این قانون محاسبات عمومی هم قانون دیوان محاسبات است و مااینجا شروع کردیم‌ابتدا از ترتیب تعیین بودجه بعد شروع شد باجرای آن در ضمن حساب هائیکه بایدحاضر کنند وطبع‌ونشر شود تا رسیدیم به تفتیش آن حالا تفتیش هم‌که تا اندازهٔ راجع است بمجلس معلوم میشود که بچه قسم خواهد بود بعدلایحه قانونی تفریغ بودجه‌هم شرحش م آید حالا شرح این دیوان محاسبات چطور عمل میکند و مفاصامیدهد مبسوط درقانون خودش ذکر میشود ولی‌برای اینکه در اینجاترتیب یك دوره جریان بودجه از ابتداء تا اختتام ذکر شود لازم بود که در ضمن اینماده بطور کلی نوشته شود .

مشیرالدوله — میخواستم عرض کنم‌این جا می نویسد که‌دیوان محاسبات رسیدگی کرده و حکم میدهد ووقتی که‌بقانون دیوان محاسبات‌رجوع میکنیم می بینیم‌که در آنجا طور دیگر نوشته‌شده و با این ترتیب تصور میکنم که این ماده ناقص است و نمی توانیم به آن رای بدهیم بجهة اینکه خالی از سه حال نیست دیوان محاسبات وقتی‌که به حسابی رسیدگی میکند آن شخص یا باقی دارد یا فاضل یا مساوی است درصورتیکه مساوی باشد مفاصا می دهد در صورتیکه یا فاضل داشته باشد حکم میکند پس در تمام موارد دیوان محاسبات حکم نمیدهد و چون این ترتیب مفصلا در قانون دیوان محاسبات نوشته شده تصور میکنم که این ماده هم باآن قانون ضمیمه‌شود .

فهیم‌الملك — در آنجا هم لفظ مفاصا حذف شد و درهرسه حالت حکم نوشته شد واین را خود آقای مشیرالدوله‌پیشنهاد کردند که لفظ مفاصا حذف شود برای اینکه دیوان محاسبات یك هیئت قضائیه است ودرهرموردی باید حکم‌بدهد

حاج سید ابراهیم — اینکه آقای مشیرالدوله فرمودندکه خوب‌است اینطور نوشته‌شود بنده عرض میکنم اولا اگر بنا بشود که ما وظیفه دیوان محاسبات را در این قانون بنویسیم‌اشکالات دیگر تولید میشود خوب‌است در اینجا فقط نوشته شود که این محاسبات و رسیدگی بادیوان‌محاسبات است موافق ترتیبیکه درآن قانون نوشته‌شده‌است بجهة‌اینکه‌اگر غیراراینطوربنویسیم ودرآنجا شاید بر بخوریم‌بپاره‌موادیکه‌مجبورشویم‌حذف کنیم‌یك‌عیب دیگری‌هم که داردااینست که‌این‌ماده‌سبب‌می‌شودکه اینها یعنی وظایف دیوان محاسبات عمومی با هم

مخلوط می‌شود و اسباب تولید اشکال می‌شود پس خوب است همانطور که عرض کردم بطور کلی اشاره بشود که به ترتیبی که در قانون محاسبات نوشته شده است .

کاشف- بنده هیچ منافاتی نمی‌بینم دراینکه اینماده در قانون دیوان محاسبات نوشته‌شده باشد و در اینجا هم ذکر شود بلکه نوشتن آن‌چنانکه آقای مخبر گفتند دراینجا لازم است برای اینکه یك دوره جریان بودجه‌دراینجاذکرشده باشد .

حاجی‌عزالممالك - بنده‌هم عرض‌میکنم چون اینجا قانون محاسبات عمومی نوشته می شود راجع بکمیسیون تفتیش وغیره باید صحیحادراینجا اسم ببریم وتوضیح کنیم‌واین که اینجا گفته‌می‌شود که‌چنانچه درقانون دیوان‌محاسبات نوشته‌شده است لازم‌نیست‌دراینجا ذکرشودبنده این‌راصحیح‌نمی‌دانم بجهة اینکه بدیهی است که هر اداره یك قانون مخصوصی‌خواهدداشت که‌وظایف وتکالیف آن اداره را داراخواهدبودولی ضمن تعیین آن‌وظایف‌مطالبیکه راجع باداره دیگرمی‌شود بطور اجمال باید اشاره شود پس درموقع ذکر تفتیش آن چیزیکه راجع می‌شودبدیوان محاسبات ناچاریم بگوئیم و بعقیده بنده‌بودن این ماده دراینجالازم است (دراینموقع پیشنهادی از طرف آقای آقاشیخ ابراهیم زنجانی بعبارت ذیل قرائت شد بهتر اینست که این ماده اینطور اصلاح‌شودمحاسبین‌جزء باید صورت عایدات ومخارج عمومی را بدیوان‌محاسبات برای‌رسیدگی و دادن حکم ومفاصا بدهند.)

فهیم‌الملك — این بیشتر داخل جزئیات شده است‌ازاین گذشته‌چنانچه گفته‌شددیوان‌محاسبات بعد از رسیدگی‌درهرسه‌حالت‌حکم‌میدهد .

آقاشیخ‌ابراهیم‌زنجانی - بنده اصلا می‌خواهم عرض‌کنم اینجا تکلیف دیوان محاسبات را می‌نویسد خیلی بی‌مناسب است اینجا بایدنوشت تکلیف‌اداره مالیه چیست دیوان محاسبات‌چه‌میکند باید درقانون دیوان محاسبات‌نوشته‌شود .

فهیم‌الملك — این قانون تکالیف اداره مالیه است‌تکلیف‌حساب درست کردن است که‌حساب های دولت ا ازروزیکه شروع می کنند تاروزی که تمام‌می‌شودوبمجلس‌می آورندبایدبچه‌طوروبچه‌ترتیب باشد و اینکه‌بطورکلی ذکری از دیوان محاسبات بشود عیبی نداردبلکه‌لازم‌است (پیشنهادی‌ازطرف آقای حاج سیدابراهیم‌بقرارذیل قرائت‌شد.)

بنده پیشنهاد میکنم که این عبارت بآخر ماده (۵۱) کمیسیون ملحق شود که‌موافق قانون‌دیوان‌محاسبات رفتار خواهد شد ولفظ حکم میدهد‌اسقاط شود .

مؤتمن‌الملك— بنده میخواستم عرض کنم که‌این قانون دیوان محاسبات نیست بلکه قانونی‌است برای کلیه محاسبات مملکت که‌یك شخصی که آن را میخواندمیداند که‌قوانینی که برای کلیه محاسبات‌مملکت ودولت نوشته شده است از چه قرار است و یکی از آن قوانین‌این است دیوان محاسبات باید بمحاسبات وزراء رسیدگی کند باینجهة این ماده باید در اینجا نوشته شود ولی در اینکه وظایف دیوان محاسبات‌در اینجا نباید ذکر شودبنده هم‌موافقم ویکی‌دیگراینکه بنده پیشنهاد میکنم که‌لفظ (محاسبات حذف شود)و (تحصیل‌دار) نوشته شود برای اینکه احتمال داردسوء تفاهم بشود یعنی محاسب را اشتباه بکنند بااشخاصی که حقوق دولت تحویل آنها میشود .

فهیم‌الملك — اگر صاحب جمعهای نقدی بنویسند بهتر است .

حاجی‌سیدابراهیم — بنده همانطور که پیشنهاد کردم عرض میکنم که همینقدر نوشته شود موافق قانون دیوان محاسبات اگر اینطور اصلاح شود بعقیده بنده بهتر است .

فهیم‌الملك — اگر اینطورباشد بایدنوشت موافق قانون دیوان محاسبات رسیدگی میکنند و حکم میدهند مخصوصاً (حکم میدهد) رابایدنوشت .

رئیس — حالا اول رای میگیریم به پیشنهاد آقای آقا شیخ ابراهیم .

فهیم‌الملك — دراینجابجای(محاسبین جزء) خوب است (صاحب جمعهای نقدی)نوشته شود ثانیاً پیشنهاد مزبور اصلاح شده بعبارت ذیل‌قرائت‌شد .

صاحب جمعهای نقدی بایدصورت‌عایدات‌و مخارج عمومی‌را بدیوان محاسبات برای رسیدگی و دادن حکم بدهند.)

رئیس — هر کس این پیشنهاد را بطوریکه خوانده شد تصویب میکند قیام نماید (جز چندنفر کسی قیام نکرد و رد شد) ثانیاً ماده ۵۰ با تبدیل کلمه (محاسبین جزء) بصاحب جمعهای نقدی قرائت شد .

حاج‌سیدابراهیم - بنده‌تصور می کنم‌این که بجای محاسبین جزءصاحب جمعهانوشته‌شده‌است صحیح است ولی نقدیش زیاد است برای اینکه ما صاحب‌جمعهای جنس هم‌داریم و دیگر اینکه‌نوشته شده است که دیوان محاسبات حکم می‌دهدعقیده‌ام این است که زیادی است چرا بجهة همان اشکالی که آقای مشیر الدوله کردند که دیوان محاسبات‌در تمام موارد حکم نمی‌دهد .

فهیم‌الملك - دیوان محاسبات آنچه که بدست محاسب می‌دهد ازسه‌حال بدر نیست‌می گوید فاضل یا اینکه مساوی است و غیر از این مقصود دیگری نداردو این هرسه اش حکم است حالاچیز دیگررا اگر تصورمی‌فرمایندبفرمایند که‌رفع‌اشکالشان بشود اما در خصوص صاحب جمعهای جنسی که می فرمایند در وزارت مالیه صاحب جمعها دو قسم هستند یك قسم صاحب‌جمعهای نقدی و یکی‌صاحب جمعهای‌جنسی آنهائی هستند که دارائی دولت از قبیل املاك یا اشیاء غیر منقولهٔ دولتی در دست آنهااست‌ولی جنسی که‌از قبیل غله و سایر چیز ها باشد اشخاصی‌که آنها را دارند در حکم صاحب جمعهای نقدی هستند و صاحب جمع جنس بآنها اطلاق می شود آنوقت کمیسیون تفتیش‌که درماده قبل گذشت‌تشکیل می‌شود ومطالعه می کند ودیوان محاسبات هم رسیدگی می‌نماید و بعداز رسیدگی دیوان محاسبات‌چه می‌شودباید یك راپورتی‌بحضور همایونی تقدیم‌نمایدودرضمن‌معایبی راکه درمحاسبات وزراءمشاهده کرده‌است بمجلس‌شورای ملی‌پیشنهاد می کند ودر حقیقت این‌ماده انتهای همان‌ماده است و لازم‌است دراینجا ذکر شود .

افتخارالواعظین — بنده اشکال آقای حاجی سید ابراهیم را ملتفت نمی‌شوم می‌فرمایند دیوان محاسبات‌چون‌یك قانون‌دیگری‌داردهیچ‌اسمی ازآن برده نشود این‌معلوم‌است که‌این‌قانون‌محاسبات عمومی مملکت است باید در آن ترتیب حساب دهندههاو گیرنده هاو سایرمحاسبین جزءومأمورین مالیه وبعد نتیجه محاسبات به کجا پیشنهاد شود و اگر عیبی ونقصی در آن دیده شد چه باید بشود تمام باید درذیل آن گفته شود ویکی از مأمورین و مفتشین دیوان محاسبات است .

البته باید وظیفه او هم بطور کلی در اینجا گفته شود و چون در ماده‌قبل « محاسبین جزء »بصاحب جمع های نقدی تبدیل شد و در این جا هم بنده خواهش می کنم‌این شکل نوشته شودکه دیوان محاسبات ازروی اسناد وحسابهائی که‌صاحب‌جمعهای نقدی میدهند تا اینکه مطابق شود با ماده قبل

آقاشیخ غلامحسین - درذیل‌اصل ۱۰۲ قانون اساسی می‌نویسد « دیوان محاسبات مامور بمعاینه و تفکیك محاسبات اداره مالیه‌و تفریغ کلیه محاسبین خزانه است و مخصوصا مواظب است که هیچیك از فقرات مخارج معینه در بودجه ازمیزان مقرر تجاوز ننموده‌تغییر و تبدیل‌نپذیرندو هروجهی در محل خود بمصرف برسد و هم چنین معاینه و تفکیك محاسبه مختلفه کلیه ادارات دولتی‌را نموده و اوراق سند خرج‌محاسبات را جمع آوری‌خواهد کرد و صورت کلیه محاسبات مملکتی را باید بانضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید » درذیل یك ماده دیگرقانون اساسی‌نوشته شده است که اختیارات‌و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت‌حاضره تصریح شده و با این ترتیب گمان‌نمی کنم بودن‌این ماده صحیح باشد .

فهیم‌الملك — این جمله (به حضور همایونی تقدیم می‌نماید) خوب است حذف شود ولی باقی صحیح است .

حاجی‌سیدابراهیم - بنده تصدیق‌نمی کنم فرمایش آقایان راومرا قانع نکرد برای‌اینکه‌اگر ده ماده از تکالیف دیوان محاسبات را در این جا بنویسند وبگویند راجع بماده پیش است‌بنده‌عرض می کنم آنچه راجع بوظایف دیوان محاسبات است در اینجا نوشته شود برای اینکه آن خودش یك قانون علیحده دارد فقط باید در اینجا اشاره شود باینکه دیوان محاسبات موافق قانون خودش رسیدگی خواهد کرد واین جزئیات‌هم‌که‌ذکر شده لازم نیست .

بهجت - مقداری از عرایض بنده گفته شد ولی همینقدر عرض می کنم که این طور این ماده را مبهم گذاشتن هم صحیح نیست‌باید توضیح شود که رفع‌اشکال بشود و الا ازاین‌جاهم‌بطورمستفاد می‌شود که دیوان‌محاسبات هیچ ربطی‌بمجلس‌شورای ملی ندارد .

حاج‌شیخ‌اسدالله - این عبارت مخالف

www.iran-archive.com

است با عباراتی که درقانون اساسی‌است ولی‌باقی ماده که میفرمایند از وظایف دیوان محاسبات‌است باید نوشته بشود .

سلیمان‌میرزا — همان‌طور که مخبر تقاضا کردند اگر جملهٔ (بحضورهمایونی تقدیم مینماید) حذف شود میرساند که راپرت را به مجلس تقدیم خواهندکرد برای اینکه‌در ماده ٥٤ این‌قانون در باب لایحهٔ قانونی‌تفریغ بودجه به مجلس می‌نویسد « لایحهٔ مزبوره باید شامل صورت قطعی تمام اعتبارات و عایدات ومخارج دوره منقضه بوده و نتیجهٔ قطعی‌معادلات کل‌بردجه آن‌را تصریح‌مینماید ومستندات آن صورت های ذیل است ۱ - صورت حسابهای وزراء و حساب کل مالیه ۲ - صورت مجلس کمیسیون تفتیش ۳ - راپرت سالیانه دیوان محاسبات پس‌اگر آن‌لفظ همایونی ازاین جاحذف شود دلالت می کند براینکه این راپرت رابایدبه مجلس بدهند(ماده ۱ ه باتبدیل‌جمله « محاسبین‌جزء » به « صاحب جمعهای نقدی » قرائت شد .)

فهیم‌الملک — دراین ماده نقدی نباید نوشته شود همین قدرنوشته شود « صاحب‌جمعها » واینکه‌درماده‌قبل‌نوشته‌شد برای این‌بود که گفتگو درحکم دادن دیوان محاسبات بود ودراین جا در رسیدگی دیوان محاسبات است و او فقط بنقدی رسیدگی نخواهد کرد بلکه درجنس ونقدی هردو رسیدگی می‌کند و همین قدر که نوشته شود « صاحب‌جمعها » کفایت می کند و دیگر آنکه بجای « بحضور همایونی تقدیم می نماید» نوشته شود به‌مجلس شورای ملی تقدیم می‌نماید» اشکالات رفع می‌شود .

ماده ۱ ه دیوان محاسبات از روی اسناد و حسابهائیکه صاحب جمعهامی‌دهد به‌حسابهای وزیر- مالیه وسایر وزراء رسیدگی نموه ودرضمن‌راپرتی که به مجلس شورای ملی تقدیم خواهند کرد مطابقت حسابهای وزراء را با بودجه که از مجلس گذشته است تصریح می‌نماید ونیز درراپرت‌مزبور میبایستی معایبی که در محاسبات مشاهده نموده و اصلاحی که‌بنظر می‌آورد پیشنهاد می‌نماید .

رئیس — رای می گیریم بر این ماده ۱ ه بطوریکه خوانده شد کسانیکه تصویب می کنند قیام نمایند(اغلب قیام‌نمودند .)

رئیس — بقیه این شور میماند برای جلسه آتیه - آقای آقاسید حسین اردبیلی‌سئوالی‌داشتید ازوزارت فوائدعامه بفرمائید .

آقاسیدحسین‌اردبیلی — برحسب‌تصویب مجلس چنانکه درجزء یکی از قواعد گذشته است باید ترتیب معاملات دولتی بمزایده ومناقصه‌بگذرد واز قراریکه بنده شنیده‌ام گویا در خارج اشجار باغات دولتی را بدون این که اعلام مزایده بشود داده‌اند ومقدار خطیری ازآنها را انداخته اند واز قراریکه بنده شنیده‌ام ازاین راه یک‌خسارت مهمی بدولت وارد می آید ازمعاون وزارت جلیله فوائد - عامه سئوال می کنم که‌این مطلب آیا صحیح است و اطلاع دارند در صورتی که اطلاع دارند تا چه اندازه‌درخت‌ها را انداخته‌اند .

معاون‌وزارت‌فوائدعامه - باغات‌دولتی را چنانچه همه آقایان مسبوقند باید اجاره بدهند ویک کسی پیدا شد و گفت من‌در ۱۲۰۰ تومان این باغات را اجاره می کنم بعد کمیسیون تصویب کرد که اجاره این باغات رابمزایده بگذارند این بود که‌جمعی آمدند وخواستند اجاره کنندوبالاخره حاج‌سعیدالسلطنه بنده هزار تومان اجاره باغات را کلی قبول کرد وبناشد که‌اوباغات را اجاره کندو وزارت فوائد عامه قرارش را بااو بگذاردواین کار گذشت بعدکه بناشد اجاره نامهٔ بنویسند و شرایط آن را معین کنند حاج‌سعیدالسلطنه وطفره زد و حاضر نشد برای اینکه شرایط‌آن تا اندازه قبول آن مشکل بودودرآن مدت چهارماه ازسال گذشته بود وضیم‌الدوله که‌درآنوقت‌وزیر فوائد عامه بود قبول نمود وبالاخره شانه خالی کرد وقبول نکرد دومرتبه قرار شد که‌این باغات رابمزایده بگذارند داخل کار که شدیم‌معلوم‌شد حاج سعیدالسلطنه‌در اینمدت که‌داخل شده بود بعضی جاها را به بعضی اشخاص‌اجاره‌داده‌اند وآقای‌ضیغم‌الدوله چون‌دیدند که اگر آن ترتیبات را بخواهند بهم بزنند و دومرتبه ترتیبی برای آن‌بدهند یک‌شش هفت‌ماهی ازاین عمل‌خواهد گذشت‌واسباب‌خسارت‌دولت‌خواهد شد این بودکه قرار گذاشتندبهمان اشخاص از همان قرار اجاره بدهند بهمان شرایطی که‌حاج سعیدالسلطنه می‌خواست‌باآنهابکنند وباشخاصیکه صورت اسامی‌آنها رابنده حاضر کردم واگربدقت بخواهند رسیدگی کنند ممکن است داده شود و قریب (۸٦٤۰) جمع‌آن شده‌است درصورتیکه باغ کرج جزو همین باغات‌بود معلوم شدکه‌وزارت مالیه جز و خالصه‌جات اجاره داده است و شکارگاه جاجرود هم‌که‌اصلاباوزارت‌دربار است‌وباوجود اینکه جزء قرارداد حاج سعیدالسلطنه بود مجزا کردند پس‌ازآن‌میزانی که‌حاج‌سعیدالسلطنه حاضرشده‌بوداز روی‌این‌عددی که‌دراین‌جا میبینم کمترنشده‌است‌بلکه اضافه شده‌است وشرایط آن هم‌که نگاه می کنیم می‌بینیم که بیشتر صرفهٔ دولت شده‌است در قرارداد حاج سعید السلطنه شاخه وتراش را برای خودش قرار داده بود درصورتیکه این‌خودش یک‌مبلغ زیادی میشود ودراین‌قرارازبرای‌دولت گذاشته‌اند که هرقدر سرشاخه و تراش بشود مال دولت باشد مثلا او در قرارداد خودش مراجب وغیره راخواسته بود که‌دولت بدهد ودر اینجا تمام‌با مستأجرین شده‌است وهمچنین او خواسته بود گردش آب را برای باغات در ظرف ۱۲ روز یکشبانه روز قرار بگذاریم وما آنراباینها هشت‌روز قرار گذاشتیم که هشت‌روز بهشت‌روز قرار گذاشتیم که هرهشت روز بهشت روز باید تمام باغات را آب بدهند اینها تمام بصرفهٔ دولت قرارداده شده است وعجالتاً چنانچه عرض شد اجاره کلیه باغات ۸٦٤۰ تومان شده‌است واما در خصوص درختهاکه میفرمایند درخت‌هاراقطع کرده اینطور نیست‌باغبانها بیست وهشت هزار تومان از وزارت مالیه از بابت طلب‌های گذشته شان مطالبه میکردند وزارت مالیه نمیداد وبالاخره بعداز مذاکرات زیاد قرارشدازبابت دعاوی آنها هشت‌هزار تومان بدهد که هزار تومان آن را خود وزارت مالیه داد وشش‌هزار تومان آن راقرار داد وزارت فوایدعامه ازبابت فروش تبریزی هائی که رسیده است و موقع ندانستند که آنها را بفروشد وبه اینها بدهد وزارت فوائدعامه‌هم همینکار راکرد مأمور ومفتش فرستاد وتمام آندرخت ها رااز روی کاغذ ونمره که هرکس‌برود ممکن‌است‌رسیدگی کند وموقع انداختن آنهاهم بود انداخت و بموقع مزایده گذاشتند کسی طالب نشده تااینکه بالاخره در دوهزار تومان قبول کرده‌اند وهنوز یکمقداری هم‌از آن‌هست وقریب هفتصد تومان هم‌درخت خشک‌است که‌باید بزنند وآنها هم که بریدند وزن خروار وغیره آن‌معین است ولیکن اینها هیچ کدامش بطوری که خارج ازحساب باشد نیست وفقط تصرفی که درآنها شده است این است که برای ساختن و بنای مدرسه فرهنگ قبل از این که بدانیم باغات کرج را وزارت مالیه بسکمپانی خالصه‌جات داده است یکمقداری از آنها را انداخته اند برای اینکه وزارت فوائد عامه تکلیف خودش را میدانست که برای ساخت‌این مدرسه خیلی کمک کند وخواست که یک‌اندازه ازآن تیرها را برای سقف‌وشیروانی مدرسه بدهدآن‌تیرها هم‌جزء عمل کمپانی رفته است بعددرثانی گفتندمعادل چهارصد تومان بعنوان کمک معارف ازدرخت های باغات آنجا داده شود که ازطرف وزارت فوائد عامه ودولت تااندازهٔ کمک بمدرسه فرهنگ شده باشدبعدهم رفتند ازروی ترتیب‌نمره وغیره معادل ٤۰۰ وخوردهٔ ازآنها راممین کرده اندولی آن‌درختها هنوزانداخته نشده است ولی‌معادل پولی که از وزیر گرفته‌اندقرار شده‌است که اینها را واگذار کنند بتیر فروشها .

افتخارالواعظین — عده‌این درخت‌هاکه میفرمایند چقدر است .

عزالملک — حق ندارید باین سؤال جواب بدهید .

معاون — عده‌اش هم حاضر است بخواهند ممکن است جمع بزنیم رویهمرفته قریب ۲۵۰۰ الی ۳۰۰۰ میشود ولی‌عده تبریش گمان‌نمیکنم بیش‌ازدو هزار باشد تفصیلش اینست که بنده‌عرض کردم‌غیرازاین هم‌اگر بخواهید ازروی دفاتر ممکن است رسیدگی شده معلوم شود .

رئیس - جلسه آتیه روز سه‌شنبه ودستور آن بقیه دستور این جلسه است (مجلس مقارن مغرب ختم‌شد)

جلسه ۱۷۹
صورت مذاکرات روز سه شنبه ۱۹ ذی قعدة الحرام ۱۳۲۸

مجلس دوساعت ونیم قبل‌ازغروب آفتاب‌بریاست آقای ذکاء الملك تشکیل شد .

صورت مجلس روز شنبه ۱٦ را آقای معاضد - الملك قرائت نمودند .

غائبین جلسه قبل سپهدار اعظم — حاج امام جمعه بدون اجازه .

حسنعلی خان - معتمدالتجار - صدرالعلماء — حاج شیخعلی خراسانی - دهخدا - حاج سید نصرالله با اجازه .

مستشارالدوله - ممتازالدوله — وحیدالملك - آقاشیخ حسین یزدی - دکتر امیرخان - مشیرالدوله

آقاشیخ رضا- حاج وکیل الرعایا- حاج مصدق الممالک آقاشیخ ابراهیم زنجانی - کاشف - افتخار الواعظین حاج سید ابراهیم — مرتضی قلیخان بختیاری — حاج عزالممالک - نیرالسلطان - دکتر حیدرمیرزا — سرداراسعد - آقاشیخ هادی آقامیرزا رضاخان نائینی سروقت مقرره حاضرنشده وکیل التجار وحاج میرزا زین العابدین قمی مریض بودند .

رئیس — درباب صورت مجلس ملاحظاتیکه هست بفرمایند .

آقامیرزا رضاخان نائینی — بنده آن روز درکمیسیون تفتیش نان بودم ازصبح تاسه ربع بعداز نهار درآنجا مشغول بودیم نهار نخوردیم بعد که حاضرشدم بنده راجزو غائبین سروقت نوشته اند.

کاشف — بنده راهم جزو غائبین سر وقت نوشته‌اند درصورتی که حاضر بودم دیگر اظهاری نشدرئیس صورت مجلس را امضا نمود .

حاج شیخ الرئیس — سئوالی داشتم تلگرافی که به آقای نایب السلطنه کردند جواب رسید یاخیر .

رئیس - هنوز که جوابی نرسیده است .

هرفقره استیضاح از طرف نمایندگان بقرار ذیل قرائت شد ازطرف دکتر امیرخان

مقام منیع ریاست مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه برهمه واضح ومبرهن است و گویا تمام افراد ملت دراین مسئله هم عقیده و همرای هستند که اولین سبب بدبختی ایران ازنبودن معارف است معهذا با کمال تأسف مشاهده میشود که هیئت دولت بهیچوجه اهمیت بمعارف نمیدهد چنانکه تاکنون کرسی وزارت معارف خالی است دراین خصوص چندمرتبه از طرف نمایندگان محترم هم سئوال شده است ولی منتج نتیجه نگردیده است بنابراین بنده از حضرت رئیس الوزراء استیضاح میخواهم که معلوم شود علت اینکه وزیر معارف معین نمیشود چیست مستدعی است از طرف مقام منیع ریاست مجلس مقدس به آقای رئیس الوزراء اخطار شود که هرچه زودتر برای جواب حاضرشوند (دکتر امیرخان) ازطرف افتخار الواعظین.

حضور مبارک حضرت رئیس دارالشورای ملی ایران دام اقباله .

در خصوص سوءرفتار رئیس عدلیه خراسان و مبلغ عمده که برداشته بطهران آمده و بحساب او رسیدگی نمی‌شود از وزارت عدلیه استیضاح خواهم خواست مقرر فرمایند بوزارت خانه مزبوره اطلاع داده شود [افتخارالواعظین] .

رئیس — اطلاع داده میشود که حاضر شده جواب میگویند .

راپورت کمیسیون عرایض ومرخصی قرائت شد که کمیسیون در اوقات مقرره و فوق العاده منعقد چون جناب آقای ناصرالاسلام نماینده محترم برای رسیدگی بامور شخصی و خانوادگی تقاضای بیست روزه مرخصی نموده بودند در روز یکشنبه ۱۷ به کمیسیون عرایض آمده دلایل خود را ذکر کرده دلایل ایشان پذیرفته با کثریت چهار رای از پنج رای مرخصی بیست روزه ایشان در کمیسیون تصویب شد .

نیز راپورت دیگری از کمیسیون مزبور قرائت شد که چون جناب آقای میرزا احمد قزوینی نماینده محترم آذربایجان بموجب علل خانوادگی تقاضای یکماهه مرخصی نموده بودند در روز یک شنبه ۱۷ شهر جاری بکمیسیون عرایض آمده دلایل خود را ذکر نموده بالاخره باتفاق آراء پنج نفر اعضاء حاضره بیست وپنج روزه بایشان در کمیسیون پذیرفته شد .

رئیس — کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب کرده است مرخصی آقای ناصر الاسلام را بیست روزه ومرخصی آقای آقا میرزا احمد راه ۱ روزه حالا درصورتیکه ملاحظاتی درآن نباشدباید درآن رای گرفت .

حاج سیدابراهیم- چندی قبل در تابستان که بنده‌هم در کمیسیون عرایض بودم قریب ده‌نفر اجازه خواستند وماهمینطور به‌مجلس یکدفعه راپورت آن ده‌نفر راداریم که‌یک دفعه‌تکلیف معین شودمجلس دید که اگربنای اجازه باشد تبعیض که‌نمیتواندبکند باین جهت اجازه ندادحالا هم‌همینطور است بجهت اینکه خیلی ازاشخاص هستند که تقاضای مرخصی کرده‌اند واجازه داده‌نشده بنظر بنده اگرفتح‌باب شود بازهم همان‌قسم‌اجازه ومرخصی‌ده‌نفر ودوازده نفربه میان خواهد آمدودر خصوص آقامیرزا احمد بنده اطلاع دارم که‌عرضشان رفع محظور است که شرعاً مواخذ نباشند .

آقامیرزا احمد — همانطوریکه آقافرمودند بنده هیچ مایل نیستم که‌بولایت بروم الا اینکه‌مشکلی برای بنده پیش آمده است که خودم نمیتوانم‌حل کنم‌و آنرا با کثریت مجلس‌واگذار میکنم‌وآن‌این است که یکی از کسان‌بنده که‌تقریبا اطاعتش‌جزو واجبات است کسالت دارند وبنده را خواسته‌اند و بنده ابا کردم وایشان در ثانی دونفر رافرستاده‌اند که‌یکی برادر بنده ویکی دائی‌بنده است‌ودیدم‌هیچ چاره ندارم بجز اینکه ازمجلس رأی بخواهم بهر طرف رأی‌دادند تکلیفم ازطرف‌دیگر ساقط میشود بهرطور که‌صلاح میدانند رأی‌خواهند دادا گررای دادند که‌بروم میروم اگر ندادند که‌عذر موجهی برای من‌خواهدشد .

فهیم الملک — بنده عرضم درمقابل اجازه دادن یااجازه ندادن نیست‌ولی‌میخواستم از کمیسیون تفسیر استدعا کنم که تفسیر دوماده قانون اساسی رادرباب‌عده نمایندگان درخصوص مذاکرات‌مجلس معین کنند وزودتر راپورت بدهند که‌بعد از این بتواند مجلس ترتیب‌مرخصی‌رامعین کندبرای‌اینکه شاید واقعاً اغلب‌نمایندگان کارلازمی‌برایشان‌اتفاق بیافتدونمیتوانندبروند واگرازآن کمیسیون‌راپورت بدهند کارآسان میشودو مجلس میتواند رأی‌بدهد وعده موافق آن‌ترتیبی که مقرر خواهد شد کافی خواهد شداز برای مذاکره ورأی پس‌خوب‌است که زودتر راپورت آن‌داده‌شود .

کاشف- بنده‌می بینم درخصوص اجازه دادن درباره‌اشخاص‌تبعیض میشودبرای‌اینکه بعضی‌اشخاص سه‌ماه شش‌ماه اجازه خواسته‌اند و بالاخره تصویب شده‌است وبعضی مدت قلیلی اجازه میخواهند عذر موجهی هم‌دارند با این وصف اجازه داده نمیشود واز این‌قبیل بنده‌قبل‌از این‌اجازه خواسته‌بودم‌برای یک‌مدتی اجازه خواستم با وجود اینکه مدت کمی بود اجازه‌داده‌نشد بااینکه‌استعفاهم‌دادم‌قبول‌نکردند حالا اگر لازم نیست پس آقایان‌هم‌کارهای شخص خودشان راکنار بگذارند وکارهای عمومی رامقدم برکارهای شخصی بدارند .

آقامیرزا احمد- خیلی تعجب میکنم که‌در مقابل آن‌عرض که‌بنده کردم آقای کاشف اینطور اظهار کردندخود بنده عرض کردم که‌چندان‌مایل نیستم که‌بولایات برگردم باوجود این‌ایشان همچو میفرمایند خیلی محل تعجب است .

دکتر اسمعیل خان— درخصوص ناصرالاسلام چون‌حاضر نیستند لازم است توضیحی عرض کنم اخوی ناصرالاسلام دررشت فوت‌شده است درشهر هم‌نیستند درده هستند چندنفر هم‌صغیر دارد اینها هیچ پرستار وکسی‌را ندارند جز آقای ناصرالاسلام که باید بروند وترتیبی درکار آنها بدهند .

رئیس— رأی میگیریم کسانیکه بارایورت کمیسیون‌عرایض درباب‌مرخصی ۲۰ روزه‌ناصرالاسلام همراه هستند قیام‌نمایند اغلب‌قیام نمودند وباکثریت تصویب شدحالا رأی میگیریم .

راپورت کمیسیون عرایض‌درباب مرخصی ۲۵ روزه آقامیرزا احمد کسانیکه موافق هستندقیام نمایند اغلب قیام نمودند وباکثریت تصویب شد

راپورت شعبه اول بعبارت‌ذیل خوانده‌شد

شعبه اول در تاریخ سه‌شنبه ۱۲ وپنجشنبه ۱۴ شهر ذی‌قعده سه‌ساعت بغروب‌مانده درتحت ریاست آقای حاج فاتح‌الملک منعقد و در خصوص نماینده ارامنه یوسف خان میرزا یانس بموجب یک طغرا اعتبارنامه تاریخ آوریل ۱۹۱۰ که‌از آذربایجان‌رسیده بودوحاوی امضای انجمن‌نظار مرکزی آذربایجان‌بوده‌و تصدیق‌این‌اعتبارنامه‌بموجب‌ورقه‌علیحده‌تاریخ ۲۱ ج ۲ ۱۳۲۸ ارایالات آذربایجان نیزملاحظه شدمذاکرات زیاد بعمل آمد معلوم شد که هنگام انتخابات در دوره اول به‌تمام‌ارامنه ایران ازطرف انجمن نظار مرکزی ارامنه آذربایجان وخلیفه کل‌اخطار شده که در انتخاب یکنفر وکیل ارامنه شرکت نمایند ولی ارامنه اصفهان وبعضی‌بلاد امتناع ازشرکت در انتخابات نموده اند ورجوع نموده‌اند برای انجمن ارامنه طهران و انجمن ارامنه طهران بنظامنامه انتخابات ایراداتی نموده که بایستی بکل ارامنه ایران حق‌انتخاب دونفرنماینده داده‌شود ولی چون تغییر نظامنامه دراین موقع غیر ممکن‌بود که تمام انتخابات‌بهم‌می‌خورد واسباب‌شکایات عامه‌میگردند لهذا بشعبه اول نمایندگی یوسف خان میرزا یانس را تصویب و تصدیق مینمایند در خصوص یکنفر دیگر نماینده ارامنه بسته به رای مجلس‌است

حاج فاتح الملک- خواستم توضیح این‌مسئله راعرض کنم که‌در درجه اول آنهااطلاع داده اند بسایر نقاط‌وبطوریکه‌در راپورت ذکرشده‌بعضی‌ها ابا کرده‌اند وبعضی ها گفته‌اند که باشد تا خبر

بما برسد واینها تاآنروزیکه باید صبر کنندصبر کردند لهذا آنها درجه ثانی را انتخاب کردندو میرزا یانس خان منتخب شده است حالا اگر سایر ارامنه بخیال این‌باشند که‌یکنفر یا دو نفر دیگر نماینده بانها حق‌داده‌شودباختیار مجلس است‌والا میرزا یانس‌خان بموجب آن اعتبارنامه و تصدیق انجمن آذربایجان نمایندگی اوراتصدیق می‌کند حالا درخصوص یك‌نفر نماینده دیگر بسته به رأی مجلس است .

معاضدالسلطنه — اگرمجلس متقاعداست باین ترتیبی که‌آقای حاج‌فاتح‌الملك فرمودندعرضی ندارم واگرمخالف است آنوقت عرضی دارم .

محمدهاشم‌میرزا — اگرچه این‌مدتی‌است به مجلس آمده ولی‌بعقیده بنده این راپورت باید چاپ و مطالعه شود بدون مطالعه نمی‌دانم این چه چیز است .

آقاشیخ‌محمدخیابانی — اگرقبل‌ازطبع وتوزیع دراین خصوص رأی گرفته می شود بنده عرض می کنم که‌برای ارامنه لازم است که احترام این نظامنامه رانگاه دارند وآنرا محترم بشمارند و در این دوره علاوه بر یکنفر نماینده را تقاضا نکنند مجلس هم نمی تواند خلاف نظامنامه را عمل نماید .

رئیس — موضوع‌قبول‌یاعدم‌قبول‌نمایندگی ایشان است همانطورکه نوشته اند از طرف دولت اخطار شده است بادامنه‌که یکنفر نماینده خودشان بموجب قانون انتخابات انتخاب کنند بعضیها داخل شده اند و بعضی ها امتناع نموده‌اند درهرصورت شعبه اول صحت نمایندگی یوسف خان میرزا یانس را قبول‌کرده است حالا آنهائیکه‌امتناع کرده‌اند برای چه امتناع‌کرده‌اند و یك نفر دیگرنماینده می‌خواهند یا نمی‌خواهند مربوط باین نیست ما اول باید به‌بینیم مجلس نمایندگی میرزا یانس را قبول می کند برای ارامنه یا خیر .

حاج آقا — بلی همانطوریکه‌فرمودنددر باب یکنفر نماینده ارامنه رأی گرفته شود آنوقت درباب جزء ثانیش گفتگو بشود ولی بنده در این جزء که نوشته بودندکه‌اصفهان امتناع‌شده بودبابد رأی ارامنه‌هم آنجا جزء شود عقیده بنده این‌است که بعضی ملاحظات لازم است درآن بشود و دقت شودکه بعد اسباب اشکال نشود بنده تصور می کنم که‌نظامنامه انتخابات‌حوزه و انتخاب معین‌شده‌باشد اگرچه‌بعضی‌می‌فرمایند نشده ولی بنده همچوتصور می کنم که‌باید درحوزه‌انتخاب نمایندگان درجه‌اول جمع شوند وآنوقت از بین آنها نماینده درجه‌ثانی منتخب شود و ما بایدبدانیم در این موقع وملتفت شویم‌که ارامنه اصفهان چراوکیل معین نکردند و امتناع کردند و حوزه انتخاب بچه جهت تبریز بوده و درجه اول جمع شده اند یانشده اند اگر شده‌اندبچه جهت درتبریزجمع شده اند درصورتی که گمان این است که درنظامنامه انتخاباب معین شده باشدکه باید در پایتخت جمع شوند وازاین منتخبین درجه اول نماینده درجه دوم انتخاب شود باید این نکته را ملتفت شده بنده تصورمی کنم که این راپورت بایدطبع‌وتوزیع‌شود تاتمام‌نمایندگان محترم ملاحظات خودرا در آن بنمایند ویك‌طوری بشود که بعداز این مدتی که طول کشیده ونماینده ارامنه بمجلس نیامده اسباب اختلاف بین طوایف ارامنه نشود باید توضیح شود .

ادیب‌التجار — این اعتبار نامه میرزا یانس خان مدتها است آمده به مجلس می خواهم عرض کنم قبل از آنی‌که شعبه اول تازه انتخاب شده است دررسیدگی این قدری‌اهمال کرده است‌هر کس بوده و هر کجا که بوده این اعتبارنامه حل شده اسباب‌این گفتگوهاشده‌این بایداول‌ساعتی که‌رسیده‌بود بمجلس بهرشعبه‌که رجوع شده بود بایستی‌رسیدگی بشود که نماینده ارامنه یاما شرکت کرد. بود درمجلس شورای ملی اینکه حاجی آقا می‌فرمایند مرکز انجمن نظار چرا در تبریز شده این چرای ایشان وبچه جهت درتبریز شده و در نظام‌نامه قید شده باشد که باید درطهران در مرکز انتخاب‌باشد ووکیل ارامنه معین شود همچو تصریحی نشده‌است درخصوص این وکیل‌محترم‌ارامنه ایالت آذربایجان خیلی دقت کرده است و بتمام ولایات از طرف خلیفه گری آذربایجان تلگراف شده یك قدری تسامح کرده‌اند انتخاب خود میرزا یوسفخان وکیلی که حالا منتخب کرده‌اند هیچ‌جای حرف نیست‌اعتبار نامه او باامضای مغیرالسلطنه حکمران آذربایجان الان درشعبه موجود است و شعبه اول چهار جلسه تقریبا کرده باحضوراعضای شعبه رسیدگی کرده‌اند هیچ‌جای اشکال نیست که بعضی آقایان می‌فرمایند این راپورت را چاپ کنند استدعا میکنم ازآقایان بهیچوجه اسباب شك وشبهه برایشان نشود دقتهائی را که حضرات عالی می‌خواهند بکنند بیشتر ازآن دقت شده است استدعا میکنم که حضرت رئیس در این‌باب مذاکره راختم بکنند ورای بگیرند .

رئیس — درباب یك اعتبار نامه که در مجلس معارض‌پیدا کرد آنروز نمی‌توان رأی گرفت حالا از قراریکه حاج آقا اظهار کردند معارضه دارندباین‌واسطه امروزنمی‌ترانم درآن رأی‌بگیریم

کاشف — اظهاراتی که میکنند بنده لازم میدانم عرض کنم که‌ازطرف آنها مسامحه‌نشده‌است اظهارات آقای حاج آقا هم در خصوص این که انجمن نظار بایستی درطهران شده باشد خوداین کسانی‌که ایراد دارند آنها دراین خصوص‌ایرادی نکرده‌اند فقط اینها یك‌نفرنماینده‌علاوه می‌خواهند ودر خصوص این آدم که ششماه است انتخاب نامه او بمجلس آمده است ازاین جهت شکایتی ازتبریز نشده ومحل حرف نیست ازاین‌جهت استدعا میکنم که گفتگو نشود ورای بگیرند .

حاج‌عزالممالك — در نظام نامه واقع میگوید یا اینکه در باب انتخاب شخصی از بین نمایندگان معارضی باشد مباحثه آن در همانروز بسکه راپورت قرائت میشود واقع نخواهد شد .

بنده مخالفت وموافقت خود را عرض نمیکنم ولی بموجب این ماده امروز مباحثه نباید بشود و باید طبع‌و توزیع شود .

حاج‌سیدنصرالله — این‌را نبایدفراموش کرد که در انتخاب شخصی معارضه میکنند فقط نبایداظهارکند این‌لایق نیست بایدمثلابگوید سنش مقتضی نیست بآن شرایط نظامنامه طبع و توزیع هم فایده ندارد ومن باید بدانم راه اشکال آن چیست والا این‌اعتبار نامه هم‌مثل سایر اعتبار نامه ها آمده است بشعبه وشعبه رسیدگی وتصدیق کرده است یك‌شاکی نداردتردیدی هم دراین‌نیست نهایت مافی‌الباب تقاضا کرده‌اندکه ما یکنفر وکیل دیگرهم می خواهیم و ابداً از این شخص شکایت نکرده‌اند واین کسیکه می گوید مخالفم باید بگوید ازچه راه مخالفم تا آنراتعقیب کنیم به‌بینم صحیح است یانه .

حاج آقا — بعدازآنی‌که بنده‌عرض کردم که دراین خصوص مخالفم بحکم نظامنامه بایدطبع وتوزیع شود تا من‌اعتراضات خودم را پخته‌کنم و بگویم درصورتیکه در ایران ارامنه دوطایفه‌هستند وبعداز آنکه خلیفه‌گری تبریز غیراز خلیفه گری اصفهان است وبعداز آنکه این همه‌زحمت کشیدیم که این معارضات رفع شودچطور میشود بآمدن‌یك اعتبارنامه بنده رأی بدهم‌یااینکه مقدمات‌وموخراتش را هیچ نفهمیده‌ام یا اینکه آن منافشات بزرگی دربین این دو طایفه میشود بنده عرض‌میکنم‌بهمان سببی‌که بآن سبب می‌گفتند مابابد دو نفر انتخاب کنیم همان سببی که علت تقاضای اینها در باب دو نفر وکیل‌شدهمین مذاکره‌که شدکه ازخلیفه گری تبریز اطلاع‌داده‌شد وارامنه‌که درتحت امراوهستند اعتراض دارند همان سبب‌نظر بنده است باید دید که آنها اعتراض‌دارند یاتعرض غیراز اعتراض‌است مابابد تمام‌این مطالب را ملتفت باشیم که یکنفر از ارامنه که‌بیایداینجا نماینده تمام ملت‌است مابابد تمام این ها را ملتفت شویم واین نمی شود مگر اینکه طبع و توزیع بشود و نظرات در آن معلوم شود .

حاج‌سید نصرالله — من‌می‌خواهم‌بفهم که راه آخر تامل شما در چه چیز است براینکه نمایندگان باید تامل شمارا بفهمند که در چه تامل دارید باید بگوئید باین دلیل‌که در صحت این وکالت تأمل دارم لهذا تکلیف میکنم‌که طبع و توزیع شود تا دیگران هم‌همراهی کنند بنده‌هم‌یك نفر وکیلم میخواهم در انتخابات وکیل تأمل کنم این‌وکیل اعتبارنامه اش بشعبه آمده‌است تابحال‌هم شکایتی رسماً دراین هفت‌ماه از این‌آدم نیامده‌بس بگوئید راه تامل خودتان‌را تامن هم که یکنفر نماینده هستم شریك درتامل شما باشم و عقب او را بگیرم .

رئیس — بموجب نظامنامه باید هروقتی که مخالف پیدا شد آن روز دیگر نمی توانیم در آن مباحثه کنیم روز دیگر که آمد مجلس آنروز را مباحثه کنند تا بهر جا که ختم شد باید طبع و توزیع شود .

آدینه‌محمدخان — این مسئله ۹ ماه است آمده اگر آقایان می‌خواستند مطابقه با نظامنامه بکنند در این ۹ ماه می کردند اگر در

خصوص نمایندگی من مخالفی باشد باید ۹ ماه معطل شوم بدون معارض فقط برای اینکه یك نفر بی دلیل معارض است.

رئیس - در نظامنامه نوشته‌است هرگاه‌در روزیکه اعتبار نامه آمد بمجلس و مخالفی بود در آن‌روز نمی‌توان مذاکره کرد باید بماند بروز دیگر راپورت‌شعبه چهارم راجع بدونفر نمایندگان عراق به مضمون ذیل قرائت شد.

درشعبه‌چهارم‌برای رسیدگی بانتخاب ۲ نفر نمایندگان عراق ۳ جلسه منعقد گردید جلسه اول در تحت ریاست آقای فهیم الملك نایب رئیس‌پس از رسیدگی باعتبارنامه برای توضیح مطلب‌ملاحظه صورت انجمن نظار سلطان آباد که مرکز حوزه انتخاب است باکثریت آراء لازم دانسته از وزارت جلیله دا له تقاضا شد صورت مجلس را بفرستند در جلسه ثانیه پس از رسیدگی بآن چون‌شکایتی از شاهزاده اسدالله میرزا مشیر السلطان رسیده‌بود که معزی الیه در درجه اول منتخب و دارای ۶۱ رای بوده ولی در موقع انتخاب درجه ثانیه‌ازایشان رای نخواسته اند و کاغذی غیر رسمی بدون مهر از جناب حباب‌الله خان که یکی از اعضای انجمن نظار بوده درلف فرستاده بودند که انتقادی‌بانتخاب نموده و عدم صحت آن و مجبوریت خود را در مهر کردن اعتبار نامه ادعا کرده بودند بدون این که دلائلی برای این ۲ ادعا اظهار دارد محض‌این که مطلب درست واضح شود شرحی از شعبه اول بآقای مشیر السلطان نگاشته‌شد که روز ۵ شنبه ۱۴ ذی قعده در شعبه‌حاضرشده دلائل شکایت‌خود را اظهار دارند روز مزبور ۳ ساعت و نیم بغروب مانده شعبه در تحت ریاست آقای ممتاز الدوله رئیس منعقد گردید اعضای حاضره آقای بهجت - آقای آقاسیدحسین اردبیلی - آقای‌افتخار الواعظین - آقای معین الرعایا - آقای ابوالقاسم میرزا — آقای سید محمد باقر ادیب - آقا میرزا رضا خان نائبین آقای ثقة الاسلام — آقا سید محمد رضا - حاج وکیل الرعایا - دکتر اسمعیل خان- آقای قوام الاسلام — آقا میرزا اسدالله خان- جواب کاغذ آقای‌مشیرالسلطان قرائت شدکه نگاشته‌بودند من مطلقاً شکایتی نکردم فقط کاغذی که یك نفر از اعضای انجمن‌نظار نوشته‌بود فرستادم چون کاغذ مزبور رسمیتی نداشت و نیز مطابق صورت مجلس آقای مشیر السلطان از منتخبین درجه اول نبودند زیرا که حاجی‌محمدحسین ساعت‌ساز که دارای‌اول آراء درمابین منتخبین‌درجه اولی‌بوده ۶۶رای درباره‌اش داده اند لهذا شعبه چهارم انتخاب دونفرنمایندگان عراق راکه آقای فرمانفرما وآقای عبدالرضا خان رکن‌الممالك(سالار فیروز) باشند صحیح میداندو انتخابات درجه اولی ودرجه ثانیه بروفق شرایط و قانون‌مقرردرنظامنامه انتخابات وکلای مجلس‌مقدس بعمل آمده است.

آقامیرزا احمد - خوب است اگر شعبه مخبردارد توضیحی بدهدکه اتمام انتخابات قبل از وقتی است که‌فرمانفرما وزارت جنك را قبول کرده‌اندیابعد ازآنست‌اگرقبل‌بوده است‌که ایشان‌بواسطه قبول کردنشان شغل وزارت را مستعفی شده‌انداگر بعدازآنست که بازهم غلط است.

افتخارالواعظین - برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم این انتخاب چهارماه قبل شده واعتبار نامه را فرستاده بودند بشعبه ولی‌چون صورت انتخاب نیامده بود وکیفیت انتخاب راشعبه نمی‌توانست بفهمد این بودکه بتوسط وزارت داخله ازحکومت عراق صورت مجلس انتخابات عراق را خواستند صورت را هم فرستادند یکنفرکه‌شاهزاده مشیرالسلطان‌باشد شکایت‌میکردکه من جزومنتخبین درجه اول بوده‌ام ولی در مرتبه دوم‌که برای رأی گرفتن بوده است مرا اطلاع نداده است وقتیکه رجوع کردیم بصورت مجلس انتخاب معلوم شد مشیرالسلطان جزء منتخبین‌درجه اول هم نبوده‌است بجهت اینکه کسی که دربارهٔ اواز همه کمتررأی‌داده شده بود دردرجه اول دارای ۶۶ رأی بوده است وایشان دارای ۶۱ رأی‌بوده اند که هیچ‌ازاول‌داخل منتخبین درجه اول نبوده اند تا اینکه در انتخاب ایشان را شرکت بدهند وموافق نظامنامه ازعراق چهار نفر واز اطراف دونفر باید حاضر شوند در حوزهٔ انتخاب که عراق است یك محل راکه خبر داده بودند تایك مدتیکه ضرب‌الاجل کرده بودند انجمن تاآنوقت نیامده بوده است وحق آنهاساقط شده بود ولی ازیك محل دیگرمنتخب ایشان آمده بود چهارنفراز منتخبین درجه اول عراق حاضرشده ویك نفراز محل دیگر آمده درمرتبه ثانیه دردرجه ثانی شاهزاده فرمانفرما ویك نفردیگرکه اسمش درنظرم نیست(رکن‌الممالك) منتخب شدندوانتخاب نامه هم بمهرنظار وتصدیق حکومت محل‌ودرنهایت صحت واعتباراست‌وشعبه چهارم هم صحت نمایندگی دو نفر نمایندگان عراق را تصدیق و تصویب می‌کند.

آقا شیخ اسدالله - بنده می‌خواستم عرض کنم‌اینکه آقا میرزااحمد فرمودنداشتباه‌فرموده‌اند بجهت‌اینکه‌وقتی‌صحت‌اعتبار نامه‌آنهاازمجلس گذشت آنوقت مختارند استعفا بدهند یااز وکالت یاازوزارت ولی قبل‌از آنکه استعفای آنها از مجلس نگذشته ومجلس هم رأی‌نداده نمی توان گفت که مستعفی از وکالت هستند بجهت اینکه هنوز وکالت ایشان محقق‌نشده‌است.

رئیس — ملاحظاتی در این راپورت نیست پس‌رأی میگیریم کسانیکه تصدیق میکنند صحت نمایندگی شاهزاده فرمانفرما را برای عراق مطابق راپورت شعبه چهارم قیام نمایند (اغلب قیام ننمودند و رد شد)

رئیس - اکثریت نشد.

ارباب کیخسرو — بنده می‌دانم که‌شاهزاده فرمانفرما وزیرجنك است ووزارت را بهتراز وکالت میداند ولیکن بموجب نظامنامه باید صحت‌اعتبارنامه اورا قبول یاردکنیم حالا باید به‌بینیم این‌ردی که‌شده است بر صحت اعتبارنامه است یا اینکه برای شغل وزارت‌است.

رئیس - رأی داده‌نشده است ازمجلس- حالا رأی بگیریم درباب عبدالرضاخان رکن‌الممالك — (سالار فیروز)موافق راپورت چهارم کسانیکه‌تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و باکثریت تصویب‌شد).

رئیس - ازدونفر نماینده عراق یکنفر دیگر را باید عراق انتخاب نمایند.

افتخارالواعظین — ازمجلس شورایملی تلگراف شود بحوزه انجمن عراق که ازمنتخبین‌درجه اول جمع‌شوند وازبین خودشان یکنفررا انتخاب کنند تقاضای آقای رئیس‌الوزرا از مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

مقام‌منیع مجلس‌مقدس شورای‌ملی شیدالله‌ارکانه

چون مطابق قراردادی که شده بایدبرای‌امتحان حضرات مجتمعین مسجد جامع کمیسیونی با حضور هیئتی ازوکلای محترم وچندنفر از طرف وزرای عظام تشکیل شود خوب است هیئتی‌راکه بایدازآن مقام محترم منتخب شوند زودتر معین فرمائید تا از طرف وزرای عظام هرچند نفری انتخاب و مشغول اینکارشوند.

افتخارالواعظین — بنده معنی این‌تقاضا را نمی‌فهمم هیئت وزرای عظام اگر بخواهندیکعده را در وزارتخانهای خودشان مستخدم کنند هیئتی‌را منتخب کنند که بروند صحت لیاقت و قابلیت آنهارا تصدیق نمایند این ازوظیفه مجلس خارج‌است بهیچ وجه مجلس نمی‌تواند در امر امتحان مستخدمین وزارتخانها وادارات مداخله کند خود هیئت وزراء باید عدهٔ را معین کنند اگر میخواهند آنهارا امتحان کنند آن وظیفه خودشان‌است‌که قوه اجرائیه هستند وقوه مقننه بهیچوجه حق‌ندارد درقوه اجرائیه‌مداخله کند این‌وظیفه قوه مجریه است.

حاج‌سیدنصرالله برحسب وعدهٔ که داده‌شده بآنها حالا برحسب وعده عرض نمی کنم ولی اساساً وقتیکه دولت وعده‌داد خیلی لازم است ولیکن‌همان طوری که بیان کردند راجع بمجلس نیست اینرا خود دولت همانطوری که آن‌وعده خودش‌را وفا کرد این وعده دیگرش راهم وفا کند ازهر وزارت‌خانه‌یکنفر باشند که‌امتیاز لایق‌ونالایق را معلوم‌دارند این‌ربطی بمجلس ندارد و برعهده خودشان است و نباید از مجلس انتخاب‌شود.

آقامیرزا احمد — بنده موافقم و عرض میکنم که مجلس هیچ‌وعده نداده است آن‌وعده را دولت داده‌است و باید وفا کند.

رئیس - دراین‌باب مذاکره نمی کنم همینطور است که اظهارشد شاید بعضی همچو تصور کرده‌بودند که‌از مجلس‌هم کمیسیون تشکیل‌شود برای مساعدت آنها ولیکن چون واقعاً این ربطی بمجلس ندارد خواهم جواب دادکه ازمجلس هم کمیسیونی تشکیل شود برای مساعدت آنها و لیکن چون واقعاً این ربطی بمجلس ندارد خواهیم‌جواب داد بآقای‌رئیس‌الوزراء که هرطور هیئت وزراء صلاح می‌دانند اقدام کند مقصود این است که وعده داده نشدکه همچو کمیسیونی ازطرف مجلس معین شود والبته بطوری که‌ازطرف دولت وعده داده‌شده باید ایفا شود ویك کمیسیونی ازطرف هیئت وزراء باید دراین باب تشکیل شود

ادیب‌التجار — عرض‌میکنم اگر مجلس‌هم این وعده را بآنها نداده است واز طرف وزراء داده‌شده